

بقیه رصفحو اول

چه باید کرد؟

تاکنون یک قلم ۵ میلیون دلار، بمنظور آشفته کردن اوضاع، بودجه تا همین شده است



... و سپس دیدیم که بهمت دانشجویان پیرو خط امام و مواضع مستحکم خود امام در قبال آمریکا و فرستادگان مستقیم و غیر مستقیم برق تحققی آن آرزو درخشیدن گرفت و راه خدا و خلق دیواره هواشکد وحشی تا مرحله سیج رایجی - سیاسی و فرار داد و ستداری استعماری خبری نتشدید...

و سپس دیدیم که بهمت دانشجویان پیرو خط امام و مواضع مستحکم خود امام در قبال آمریکا و فرستادگان مستقیم و غیر مستقیم برق تحققی آن آرزو درخشیدن گرفت و راه خدا و خلق دیواره هواشکد وحشی تا مرحله سیج رایجی - سیاسی و فرار داد و ستداری استعماری خبری نتشدید...

مسئله شوراهای خودروردهای قانون اساسی بآن

انگیزه پذیر مستود. و این خود موجب میشود که جنبه خلقی در مقابل انبرالیتهاستحکمتر شده و همه نیروها بر علیه آنان بسیج گردند، مخصوص که مداین ناوردی امبرالیزم قدیمه حاکمیت زمستان است.

و بالاخره ایجاد مناسبات عادلانه اجتماعی و برهم ریختن نظام استشاری کهنهتتها با تکیه بر نیروی بکنار زودهای تحت ستم که در قالب - توراما - سیج و متشکل گردند، انگیزهبر است.

۳- چه کسانی نمی توانند مدافع شوراهای مردمی باشند

باتوجه به لشفه دشمن و مشور شوراهای که فوفا آرزو شده، فدا آراد با جراحیانهایی که توان تازه، فداستشاری را ندارند و از جمله به حقوق تاریخی کارگران و ضرورت حاکمیت این طبقه و نهایتاً به لزوم لغو همه نهادهای طبقاتی... استنادی ندارند...

۵- طاقانی و مسئله شوراهای

درست در همین شرایط مردمی تکیه طاقانی در پهنایهای همه انگیزان هوای "شوراهای" شد و بهنگران بر اهمیت آن تأکید کرد...

انگیزه پذیر مستود. و این خود موجب میشود که جنبه خلقی در مقابل انبرالیتهاستحکمتر شده و همه نیروها بر علیه آنان بسیج گردند، مخصوص که مداین ناوردی امبرالیزم قدیمه حاکمیت زمستان است. ... و بالاخره ایجاد مناسبات عادلانه اجتماعی و برهم ریختن نظام استشاری کهنهتتها با تکیه بر نیروی بکنار زودهای تحت ستم که در قالب - توراما - سیج و متشکل گردند، انگیزهبر است.

مستود - خوب یک مرتبه اخلال بخود آن اصل مینور از اینست که در یک کارخانه اخلال شود...

مربوط به شوراهای

به دنبال کشتن های زیاد هفت اصل از قانون اساسی (۱) را به ساله سالها اعتداسی دادند و به ترتیب همواره آنرا که دیگر قابل انکار نبود، بصورت ناقص، محدود و بی محتوا تبدیل و تصویب کردند.

بزرگداشت شهدای سردار جنگل

خلق که همان سردار آزادیست از نخستین پیامگان تاریخ معاصر ایران در مبارزه انقلابی سلطانه بر علیه امبرالیسم و ارتجاع داخلی است. درست در زمانی که امبرالیسم جایگزین انگلیس بدینال انقلاب اکثریت در مدد بلچون تمام این مینم بود و در گرفتار وکن فروشی ها و ساخت و پاختهای وثوق الموقله ها و...

انصابتات شهره در دانشگاه تهران خورشید بیداد جیش دانشموی را توده داد... در سال ۴۸ اولین اقدام چشگرک دانشموی در جهت به میان مردم بردن حرکت ودفاع از حقوق زحمتکشان و افتخار محروم شهری با ترتیب دادن اصنام با اعتراضی به گران شدن لیلیت اثربوسن شرکت گرد و بوزرسکند... در اوامر سال ۴۸، تظاهرات وسیع فصدیونیستی که با اعلام همدردی وهمسختی بدردم دانشجویان با جیش آزادیبخشی مطمئن تمام بود بعد چندیدی به جیش دانشموی مدهد...

زمن لرزه خانههای گلین روستایان هر از سزغان خراب کند و هزاران هزار از ایشان را به دبار دم نفرسته باید گاهی ستم را ویران کرد و می دانستند که زار نجات خلق تعمیر مناسبات سنگرانه و نهدام زرمه است اما این را هم فراموش کردند که همین مردم رفتن قبل از آنکه کتبی برای مردم باشد... فرستی است برای خود آنها که واقعت زرمه را که باهمایش برست و بدیدان استشار است لسن کنند و معن جامعهای را که امبرالیسم بر همین تا تمیل کرده است به سینه بینند... به همین دلیل هم بود که زرمه تا حد امکان از صفت گروههای دانشموی به مناطق صنعت زده مناسبت میکرد...

۱۶ آذر اولین تریکس انقلابی خشم خلق...

تیکسون ماوریشس جمهوریت آمریکا برای آزادیهای اراضع ایران سازگودتاه شومان رفتند و وصیت و استقامت زرمه دست نشاند آمریکا را از نزدیک مورد مطالعه قراردهد. برای زرمه این هودت بسیاری داشت که بوقتیک خود را در سرکب خشم خلق و در از این بردن همه طاوتنها و مخالفتها به آریاب نشان بدهد. دانشمویان دانشگاه تهران این فرزندان بیدار از آگاه خلق نیز خود را متصدد میدیدند که فزاد اعتراض خودرا علیه جنایات بشمار زرمه بلند کنند و به حضور نایبند امبرالیسم حاکمکار دانشگاه در همین خود برخواستی کنند... به این منظور دانشمویان تظاهرات بزرگی به راه میآوردند و زرمه که انتظار چنین حرکتی را نداشت و میخواست چنین حرکتی را به وجود آراش در در حضور آریاب به وجود آراش خود کتور ببالد فورا دستورال چنینار خود را به دانشگاه کشید بیدارد. و این بردوان را به حلای به روی دانشمویان می دادم که مینمیزد فریاد نداشند آتش میکشاید و جیمی را به خاک و خون میکشند که حق این میان به نفر از دانشمویان دانسته شد که به نایبانه شربت رضوی، محدث فنیدی و بزرگ کرامی یاد ا این شهدایان...

نامه جمعی از کارگران راه آهن به نشریه مجاهد

بعد از تعطیل کلاسها و گرفتن سلاحها پنداشتیم که تکرار آموزش نظامی در محیط راه آهن خواب و خیالی پیش نیست

نمست و حتی متوان با تکیه بر روحه انضباطی کارگران نظامی بالاترین راندمان کار را نیز انتظار داشت. گویانکه ما شاهد بودیم که در قسمت واگنها که بیشتر از سایر جاهای راه آهن کلاسهای آموزشی تشکیل شده بود، راندمان به مراتب نسبت به سایر بالاتر از زمان طاقت بود. بلکه تقریباً بیتر از سایر قسمتها نیز البته اخیراً هم باید اشاره کنیم

افشته از دود گلوله و با صفای صرا وصف ناشدنی بود. برای آنکه بیشتر تأثیر این برنامهها را گفته باشیم بدینست اشاره کنیم که بدینحال هم برنامهها بود که ما شاهد برنامههای گوناگونی همین کارگران فعال هستیم (که در گذشته بی نظیر و پاک تصور بوده است.) متأسفانه این کلاسهای پر بار آموزشی بدینحال تنگ نظری عناصر



کارگران می خواهیم سلاحها را منحصرکامل امیرالایسم در دستمان باشد.

نشریه گرانقدر مجاهد! آنچه ما در نوشتن این نامه جو خورانیگری است که بدینال فرمان امام پدیده است. آنچه بدینال انقلاب جاسوسیانه آمریکا انقلاب افتاد و افتاد اهداف پلید امپریالیسم آمریکا که سحر به اوج گرفتن روحیه ضد امپریالیسم لبرتی مردم قهرمان ایران، گردید. لبرتی آزادی نظامی و بسیج کارگران و سایر توده های تشدید شده و رنج کشیده ایران را بمنزله تئودیه نشان نتوانم انقلاب ایران در صدر برنامهها قرار داد. براسنی اگر کارگران که اصلیتهم از طبقه های مستند که مستضعفین زمان ما را می سازند، به سلاح سیاسی و نظامی مجهز نباشند، چگونه میسبیم سرمایه داری وابسته حوادم ترانست در این مملکت باقی ماند. در چنان شرایطی بطور یقین دشمن از دست بایی دراز می بر آسوس خواهد شد.

متأسفانه در چند ماهه گذشته علیرغم فریادهای رسای بدخترالقانی در مورد لزوم آموزش نظامی در کارخانجات سراسر نداریم. بی اساسی اکنون که بدینال فرمان امام کمان آرزویخواهد جامه نمال پوشیده، ما فکر کردیم که برای پاسکوتی به دعوتی که در این مدت شامل حال ما شده و این توفیق را بافتادیم که در محیط راه آهن کلاس های آموزش نظامی را بگذاریم، غویست که گزارشی از این کلاسها را که نمونه ای از کارهای نظامی و آموزشی در کنار کار و فعالیت تولیدی است. برایمان بفرستیم. باشد که برای سایر علاقمندان و مردم جان برکمان مورد استفاده قرار گیرد.

فیم ۲۲ بهمن وشوروشوق کارگران

پس از قیام شکوهمند بهمن ماه کارگران که خود را پیش از این در دستکشان در آن سبیم میدیدند. تلاش کردند که سیمی بیشتر از سایر انقلاب را بدوش داشته باشند. لذا وقتی کمیته حفاظت رامه آهن شکل گرفت، همه زبانی از کارگران (بسی از صد نفر) در آن فعالانه بکار و کوشش مشغول بودند. روزهای اول انقلاب که خطر دخالت عناصر ضد انقلاب در هر گوشه و کنار وجود داشت و ما سایر کارگران با چوب و چغاق شب و روز از محیط راه آهن حفاظت میکردیم. بزودی و پس از تماس با سازمانهای انقلابی ما به تعدادی سلاح دست یافتیم. اشتیاق اولیه ما سلاح تأثیر مبنی بر روحیه افراد گذاشته بود. کارگران با داشتن سلاح با اعتماد به نفس بیشتری پیدا کرده بودند. از جمله واقعه ای که انتظامات علاوه بر حفظ امنیت محیط کارخانه و سامنت از نفوذ احتمالی عناصر ضد انقلاب، همراهی ما فشارهای سافرو بری بود. وجود عناصر گمنام انتظامات برای حفظ نظم هزاران کم و ولجی که در سراسر کشور بوسله فشار جاها می شدند، بسیار بیجا و فروری بود. براسنی اگر این کمیتهها به شکل صحیحی رشد کرده و گسترش مییافتند براسنی تیراندازی و تهاجم تهاجمی که از دست سراسر راه آهن خورستان شاهد آن بودیم جلوگیری کند.

البته واقع است که گستردگی شبکه راه آهن و اهمیت حفظ جان سافروین، که برای آمریکا پلید میزبانند شمه بودند، وظیفه خطری است که همچنان آنرا بر دوش خود میبایست احساس کنیم. چرا تعصبات کارگران در این جهت بسیج شوند؟ حال آنکه ما شاهد بودیم قبل از آنکه عناصر علوم الحاصل مانع فعالیت این افراد گردند، پایه تیز و فعالیتهای دنیای این کارهای بودندند. کارگران کشته با جان و دل و بدون کوچکترین چشمداشتی که تنها را که تمام بیدار شوند. و چه زحماتی را که تحمل کردند.

کلاسهای آموزشی نظامی در کارخانجات تولیدی

سنگ است که این تیسیر برای خیلی ما پیش میاید که کلاسهای نظامی و املا کارهای آموزشی با کار تولیدی جایزت دارد. ولی به جرئت می توانیم قول بدهیم که اگر کار درست شده بر بخورد شود چنین چیزی صحیح

شایسته شده از محیط راه آهن بریده شد. روزی که فرار شد سلاحهای کمیته انتظامات تحویل گرفته شود. که مالا موجب تعطیل کلاسهای آموزشی نظامی میگردد. پیش از آنکه نفر از کارگران که در جریان کلاسهای شرکت کرده بودند، با عصب و تاراحتی در صدد مناسبت برآمدند و این مسئله نشان میدهند که ما مقدر به این آموزش احساس نیاز میکردیم. ما درایستادیم که جز بر بازوی توده های زحمتکش و کارگران شریف این آب و خاک، بر هیچ چیز دیگری نمیتوان برای همیشه اعتماد کرد و لذا میخواستیم که سلاحها برای همیشه و تا نحو کامل امپریالیسم در دست ما باشد.

پس از آن روزها ما و سایر کارگران که آن کلاسها را دیدیم، در نتیجه پنداشتیم که دیگر تکرار آن صنعتها تکرار آموزش نظامی جوی برابیت کارگری، خواب و خیالی نیست و اکنون با فرمان امام خمینی رهبر بزرگ انقلاب، ما بوظیفه تدارک آن خود را برای روزی با دشمن بزرگ تریست، آمریکا جهانخواه آماده کنیم. و اکنون که آموزش نظامی در محیطهای کارگری و در سراسر ایران تشویق شده است، بار دیگر نور امید در دلها ما تابیده است. اکنون ما امیدواریم که نه تنها در محیط راه آهن بلکه در سراسر ایران عزیز، کارگران با دیدن آموزش های نظامی و با تکیه بر سلاح، نتوانند همچنان پشت سر امام و پیشانی انقلاب شکوهمند مان تا نحو کامل امپریالیسم به بش روئند.

ماده ۳۳ قانون کار طاغوتی در جمهوری اسلامی هنوز هم اجرا میشود!

تأمینت پیش مناسب ترین غذای کارگران آید و غ خیار بود

کارخانه نخ زین در کیلومتر ۷ جاده گرچ واقع شده. سابقه تالیث آن به ۲۰ سال میرسد. تولید این کارخانه قرقره های رنگی رنگگون است که به صرفه داخلی میرسد. ماشین آلات اصلی قادر به تولید حدود ۳۰ هزار قرقره در روز میباشد. این کارخانه ۶۵ کارگر بود، ۱۵ کارگر زن و ۲ کارگرد دارد. در کارخانجات کوچکی از این قبیل فشار کار و شرایط فعالیت سخت است. انتشار در عهدترین شکل آن در این کارخانه چشم بخورد. قبل از قیام قهرمانانه مردم ما در سپن سال گذشته کارخانه برای استفاده از نیروی کار ایران از کارگران پاکستانی و هندو هم استفاده نمودند. استفاده از این کارگران به کارخانه امکان میداد تا سطح دستزد درگران را در پایین ترین حد بگردارد و اشتغالترین امکانات و تسهیلات را برای آنها فراهم کند. بدین ترتیب ولی در آن موقع، شرایط اشتغالی آسوی در کارخانه برقرار گردید. تا با ایجاد چنین وضعی امکان انتشار شیائوری و وحشیانه کارگران را بدست آورد. حقوق آنها با توجه به شرایط سخت زندگی و پایین بودن درآمد و سختی بسیار بزرگ بود. اطفاک های مخروبه ای را در اختیار چند کارگر مرد میدادند. تا در آن زندگی کنند. بملت روز مزد دیده اش کارگران استفاده از کارگر جدید در حال حاضر کارخانه متجاوز از ۵۰ کارگر دارد که بیشتر از ۶-۵ ماه سابقه کار دارند. در شرایط فعلی حداقل حقوق کارگران که تصاد زبانی را شامل میشود ۶۰ تومان است. جز کاواوی بوز نیاز که از کره جنوبی و ترکیه تهیه میشود دیگر مواد اولیه لازم کارخانه مثل رنگ و پنه و... از داخل تامین میگردد.



بیکاری زنان زحمتکش تنگ سرمایه داری وابسته

حفاظت و انتظامات در کارخانه مستقر نبود. و با این نطفه پاسداران را در مقابل کارگران زحمتکش قرار داد. که در بعضی موارد به برخوردهایی نیز متضرر گردید. و بالاخره کارفرما در ۵۸/۷/۶۷ از ۷ نفر از کارگران تئست اخلاقی و اخراجی سزید و با این عنوان آنها را از حالیکه کارگران میگویند: از آنجا که دستکهای کار خانه تمام انویان؟ میباشد. اصولاً

بخوردهای ضد شورایی و عکس العمل کارگران (مستدوم)

روند برخورد های دولت با شوراهای کارکنان

انتقاد کرد امپریالیسم هم ساست خوردن آرام در این سکرهای خالی شده و انتضاب نمود. رفته رفته خط منی دولت با تصفیه عناصر تخرنی، دعوت از سرمایه داران برای وابستادن در مقابل شوراهای کارخانه ها... روشنتر شد. بنابر ت دیگر جریان بازسازی نهادهای سیاسی و آذاری فربه خورده سیاستیک شد. ما در زیر روند برخورد های دولت را با شوراهای کارکنان بازگو می کنیم:

استارکتی مستقیم از مجاری دولتی
این کارکنی ها از حدود ۵ ماه قبل بر ملا شد. مثلاً در تاریخ ۵۸/۷/۲۵ ای روزگار وقت به تاهیدگان شوراهای چند کارخانه چنین گفت: اسان نامه (شورای) تنها میگویند وظیفه ای و وزارت کارنده است و اسان جانی برایش قائل نمیدانند. لذا نباید در مورد تامل من به دستگاها ناراحت ما بشوید بطرف اینک شوراهای فعال و کارساز بوده اند، ولی در بعضی موارد محل نظم هم بوده اند. نماینده منتخب شوراهای سراسر وزیر کار می گوید: "شوراهای اسانل اساسی ایستاد و هم اعتماد سراسر به آن دارم. تا یک ماهه سده سن کتعه ای نوی شخصی می شود که وزیر بقدر صفاحه

ریشه های درد

بهرزوی قیام خوسار مردم ما در بیمن ماه سال گذشته امپریالیسم آمریکا کارکنان تمام شد. هر چند که نهادهای اصلی حاکمیت سرمایه داری وابسته در ایران همچنان باقی ماند و انگلنت اقتصادی - اجتماعی آن به نحوی حفظ شد. ولی نهادهای سیاسی رژیم سابق بهترین ضربات را متحمل گردید. و باز هر چند که آمریکا از ماهها قبل خود را برای تن دادن به دولتی محافظه کار آماده کرده بود، طرح نطفه سازش با آن را در دست داشت (زندگنامه سرگرد محسنی از انتشارات مجاهدین خلق صفحه ۲۸ اسناد مربوطه به موقع ارتش شاهنشاهی)

اما هرگز برایش ممکن نبود که بسادگی وسرعت سیستم سیاسی موجود را بحیثی وابسته، مجدداً سازماندهی کند. چرا که وجود رهبری انقلاب، خلق بیباخته و سازمانهای انقلابی یونانی بر سر راه این عمل ارتجاعی بودند. وجود برخی عناصر طی و مشرفی در بطن دولت وسیستم حاکم، همچنین عدم وجود یک خط سیاسی یانکتیهای مشخص و روشن برای مطالبه ما مبارزه ضد امپریالیستی شوراهای انقلابی موجب دیگر این سازش بودند.

گویا محافظه کار دولت بنا به اقتضای مامیشت سیاست پشتپوری کام اجرا در قبال سرمایه داری وابسته

آکنای برای دستکاری در آنها و با کم کاری وجود ندارد. کارگران برای بازگرداندن احرامی ها و رسیدگی به خواست - هایشان جلو کارخانه نشینند، روز پنجمشنبه ۷/۱۹ کارگران احرامی با تئیب هیوست و برای رفتن کارخانه طرف در حرکت می کنند، اما مشاهده میکنند که کارفرما در با سته تا از بازگشت کارگران به تکرار، جلوگیری کرد. یکی از کارگران وقتی درپ کارخانه را بسته میباید، میگوید: مانی که درپ کارخانه را شکویدم درپ کارخانه را بستن میباید؟ و آنگاه همگی بطرف درب هجوم آوردند، پس از ورود به کارخانه بکار مشغول میشوند. پس از مدتی مأموران کمیته سلح وارد کارخانه شده و کارگران احرامی را بیرون می کنند. بقیه کارگران دست از کار کشیدند و در جلسهای با شرکت کارفرما، رئیس کمیته و شرکت می کنند. احرامی تشکیل میشود. شرکت می کنند در این جلسه کارفرما میگوید دلیلش برای اعتراض نمیتواند ارائه کند. لذا سته و وزارت کار ارجاع میشود. در آنجا طبق ماده ۳۳ قانون شاهنشاهی آسینی بر اینک: "به کارفرما حق داد میشود هر موقع خواست کارگر را اخراج کند،

بقدر صفاحه

مردم و مجاهدین

افشاکری باید از یکطرف مبارزه صدامبرایستی خلقمان را به پیش براند و از طرف دیگر در بالا بردن دانش سیاسی-ایدئولوژیک مؤثر باشد

خواهران و برادران - نیست، ایست که تعداد زیادی از خواهران و برادران با انتقاد کرده‌اند که سطح مقالات بلاست و مطالب سنگین، در این خواهران و برادران نمیتوانند استفاده کافی و وافی از آنها بنمایند. شفافاً به اینکه سنگینی "ظلم" و پیچیدگی نوشتن نیز به این مسئله دامن میزند. در این رابطه لازم به توضیح است که اولاً با توجه به فاز حرکت مردم و به رشد آگاهیهای اجتماعی و سیاسی تما خواهران و برادران جبراً گرفت و سطح مقالات باید بالا رود، و با توجه به اینکه بر اثر دیکتاتوری و اختفالی که در جامعه ما بود است، پایین بودن آگاهیهای سیاسی بصورت یک بیماری مزمن اجتماعی درآمده است، در اینجا تعدادی پیش میاید. ضرورت و پیچیدگی کار از بسو و از سوی دیگر نتایج مستندی که بر اثر حاکمیت چندین و چند ساله پلسی - نظامی یک رژیم فاسد ضد خلقی امکان تبادل نظر و آگاهی را در کمترین حد خود نیز نیافتادند. در این تعداد عوامل شدیدی نیز به پیچیدگی قضیه کمک میکنند عناصر معلوم الحال و ارتجاعی که مرگ تاریخی کرد و در رده آگاهیهای مردم میبینند با انحصار طلبی های انجمنی خود مانع بر سر صریح و مستقیم ما و شما شده و هائتور که سواد فاهد بوده‌اید با پیش کشیدن سائل فرعی، کارکنانی های متعدد، بخش و نشر شایعات سر تا پا چلی و دروغ و ...

علی‌باعت میباید تا هم ما - هم جریانی مقداری از نروهاپیان را صرف کارهای فرعی کنیم و هم شا فرست مطالعه و فکر بیشتر روی مطالب و مسائل سیاسی گذاشته باشیم. از همه اینها کنگر شده و بسیاری از مسائل که باید مطرح شده و حلایی کردند طبیعتاً تکلیف میباید و برای درک آنها باید مطالعه مفصلی لازم را داشت. در اینجا تعداد را میتوان دوگونه حل کرد. با اینطریق کردن این مسائل اساسی - که عموماً سنگین هم هستند، صرف نظر کنیم و یا از خواهران و برادران خود بخواهیم که با مطالعه و پیگیری مستمر و تفکر و وقت گذاشتن بیشتر روی آنها دانش خود را به سطح آن نوشته‌ها و مقالات ارتقا دهند، تا ترجیح میدهم ولو اینکه در ابتدا، کار با مشکلات متعددی روبرو میشویم، راه‌محل دور و برگزینیم. البته در کنار این مسائل اصولی و سنگین سعی خواهیم کرد که مطالب ساده‌تر و بزبان سلیس‌تری را هم داشته‌باشیم. در ضمن باید توجه کرد که راه حل اصولی این مسئله در واقع انتشار نشریات خاصی است که هر یک برای اقشار مختلف بزبان خود آنها منتشر شود. مثلا نشریه علمی کارگری یا دانشجوئی و دانشجوئی و یا ...

که فلابتاً توجه به امکانات محدودیت‌های ما چنین چیزی ممکن نیست. گذشته از آنجا این مسائل منظر پیشنهادات عملی شما در این باره هستیم. مشکلات فردی و خانوادگی را بایاید جزئی از مشکلات کل جنبش دید.

مسئله شوراهای و برخورد قانون اساسی با آن

من باب مثال اصل یکصد و هفت وجودی و هدف شوراهای را: پیشبرد برابریهای اجتماعی و ... راهی از طریق همکاری مردم ...

توجه به تعصبات محلی، میزان کرده و کار شوراهای را اساساً - نظرات می‌داند... (۲)

با نگاه گزافی به این اصل و اصول بعدی که توضیحات بیشتری در مورد شوراهای داده‌است در می‌بایم که قانون اساسی صوب برای پیروی یک نظام شورائی اصل. یک نهاد نظریاتی و صوری ارائه کرده‌است که هیچوجه با اهداف اساسی و اهدافی که در نظر دارد، سازگار نیست. اولاً - حق تصمیم‌گیری و اداره امور از شوراهای سطح و درموض فقط حق نظارت به آنها داده شده است. ثانیاً - در حالیکه برادران و راهی‌تخلو نقش تعیین‌کننده برای مردم شوراهای را در نظر می‌گیرند، اصل یکصد شوراهای را همان‌همکاری مردم میدانند. ثالثاً - هیچ اشاره‌ای به حق خود تصمیم‌گیری داخلی و نظارت تحت ستم مخالف نشده‌است. رابعاً - صلاحیت این شوراهای هیچوجه شامل قانونگذاری محلی نیست حفاظت داخلی و ... شده‌است. خامساً - یکی از بارزترین نقائص این "اصول" در اصل کتب مورد به چشم میخورد. آنچه کمبود است استانداران فرمانداران، بختداران سایر مقامات

اردوی سازندگی در میان مردمی اسپر

مشهد، کشاورزان در حین عبور از جاده‌ها و مزرعه با مردم داستان هم که شده، ملا هلیک کرم خود را کنار می‌کشند، آنها چنان به خواهران و برادران ما اطمینان کرده‌اند، که خصوصی ترین اسلطان را نیز در میان می‌گذرانند. برای انجام کارهای بزرگ‌تر و بزرگ‌تر با جمعیت شویت می‌کنند و در مقابل هر کسی که با اردو می‌خفتند می‌بایستند، وقتی که مرتجعین برای، سیم ردن کار اردو به روستا آمدند با سینه‌های سبز رده خون بچوش آمده روستائیان مواجه شده و فرار کردند.

- بهرانه یکم روزگار اردو
- ۱- روست و زمین میباید با اطمینان را امکاناً زمین میباید. بنابراین با خدمات درمانی وسیعی را به‌پناه کردیم. فواید عمرانی اردویمان محدودتر شد. ۲- بر نامه کار پرکوز اردو در ماه رشتان را میتوان چنین اعلام کرد: ۳ ساعت ۴ با‌مداد همگی بیدار می‌شوند و بعد از صرف صبحی در چادرهایی که سر خاک تشنه مدرسه روستا ارتقا شده‌است به نماز جماعت می‌ایستند. ۴- نماز را به امانت یکی از برادران شروع کرده و بنامای جسی به پایان میرسد و هنوز غورشید از پشت ابرها سر برنواورده که همه همپای کار می‌نویسند. ۵- با سخت یک به‌پادری که مقصود آباد بنام دریاگاه طالغانی. ۶- تهیه تمام وسائل و امکانات لازم برای ساختن ۲۰ پل در مقصودآباد که مینا در اختیار مردم روستا قرارگرفته. ۷- چشمانی ۱۶۲ هکتار باغ سوه و زمین چشماندز جالیز همچنین بازاره با موش صحرایی در ۲۰ روستا. ۸- طبق از حله روستاهای نام‌آباد. ۹- سفینه، هدت خوان، بالوت‌آباد، پلار-جان، شش‌آباد و ... ۱۰- در زمان مردم ۲۰ روستای منطقه مدرسه اکس سار چشمان. ۱۱- دایرکردن کلاسهای تجدیدی و تقویتی در روستاهای ۱۰ پلار و لافنون. ۱۲- تائیش فیلم کوج و لایله مبارزت خلق طار در همه روستاهای منطقه. ۱۳- برگزاری مراسم میدفتر نیه‌تیمان، احیا و بزرگداشت پدر طالغانی.

وجود ندارد و ما در آنجا تبلیغات درست انجام می‌دایم ... و بالاخره افکار آیدوارگی که تمام کشور را با یک عینک ببینیم. ضمن تشکر از این برادران و تمام برادرانی که در هر نقطه‌ای می‌توانند چنین مصوری را دارند، می‌گوئیم و برادران گوی و این میدان. بجهان بیا و خودت مجاهد را بگیر و بهر و پیش کن و خودت بزنامه بگذار و تبلیغ کن و هرچه که از دست خود می‌آید برادران مجاهد ما در شیراز تمام بگیر و از آنها راهنمایی بخواد. انتظار داریم که نمیشود "ظلمون" را بشوئیم.

عده‌ای از برادران و خواهران سؤال کرده‌اند نظرات در عبارت "شخصی" که در اطلاعیه شماره (۲) مجاهدین خلق در رابطه فوق منتشر کرده‌ام که همین گذشته تائیهستی این مدارک را بایگانی این اداره با آن کمیته بلا اثر کرده، چنین

اساسی در تهیه و تنظیم کارها و کنترل امور ندارند و هیچ مرجع دیگری به ویژه سرمایه‌داران و کارفرمایان نیست. متأسفانه مدافع حقوق آنان هستند. عیناً قسط اساسی بنگ هنگاری کارگران و کاربندهای نیز هستند که بیشترت امور مصلی نخواهد شد. گذریم از اینکه اشاره اصل یکصد و چهارم به "هنگاری" و ایجاد هائتور در ... به منظور ارتقا حق اداره و تصمیم‌گیری شوراهای بوده‌است. ثامناً - و بالاخره در اصل یکصد و ششم، امکان "احلال" را به عنوان آخرین محدودیت شوراهای ذکر کرده‌است. تا هرگاه یکی از این شوراهای قوانین (قانونی) را نقض کرد، (و به نفع رخصتکاران مصلی مطلق کرد)، به سیولت بتوان آنها را شعل کرد. و از نظران راست شد، البته بسیاری از قوانین مورد اشاره بعداً تصویب خواهند شد. قوانینی که هیچ تصدی برای دفاع از شوراهای واقعی ایجاد نخواهد کرد...

می‌بستم کتا وقتی سخت از گلی‌گویی‌تانی (اصل مختار اول‌گویی) به "تورا" ها نجات بیشتر میشود ولی به سیرد اینک و توسع و تشریح شده رهنمود عملی و روشی میدهد. قدم‌مختار شوراهایی میگردد و نهادیم به صورت ارتقا در دست سیستم حاکم در می‌آید. نه تصنیفی برای حاکمیت مردم ... با اینحال اگر ست قضا و حولات به نفع انقلاب و توده‌های محروم باشد، بدون شک شوراهای واقعی، بطریق این قیدو بندهای تصویب شده، بوجود خواهند آمد...

- ۱- اصل یکصد و سه در این شرح است: برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی سایر امور راهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضات محلی اداره، امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورای بنام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان مقصود میگردد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب میکنند. شرایط انتخاب کنندگان و انتخبات شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابع حکومت مرکزی باشد قانون حین میگردد. ۲- اصل یکصد و چهارم به این شرح است: استانداران، فرمانداران، بختداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین میشوند در حدود اختیارات شوراهای مردم به رعایت تصمیمات آنها هستند. ۳- با توجه به قیود مختلف و از جمله محدود بودن حوزه عمل شوراهای و به خصوص غیر نظارتی آنها، ضروری است که دست‌خیز اصل یکصد و سوم عارفی پیش‌نیت

فرهنگ انقلابی و توحیدی سازمان ما هر گفیه تعریف دقیق و مشخص خود را دارد، مثلاً "خلق" دقیقاً مشخصی که در تمام اقشار یک کشور است که تمام برادرانی که در هر نقطه‌ای می‌توانند چنین مصوری را دارند، می‌گوئیم و بهر و پیش کن و خودت مجاهد را بگیر و بهر و پیش کن و خودت بزنامه بگذار و تبلیغ کن و هرچه که از دست خود می‌آید برادران مجاهد ما در شیراز تمام بگیر و از آنها راهنمایی بخواد. انتظار داریم که نمیشود "ظلمون" را بشوئیم.

عده‌ای از برادران و خواهران سؤال کرده‌اند نظرات در عبارت "شخصی" که در اطلاعیه شماره (۲) مجاهدین خلق در رابطه فوق منتشر کرده‌ام که همین گذشته تائیهستی این مدارک را بایگانی این اداره با آن کمیته بلا اثر کرده، چنین

هر هفته نامه‌های بدستمان می‌رسد، خصوصاً از خواهران و برادران دانش آموزان که بصورتی که کرده‌اند در ما ضامنت خانواده‌هایمان برای فعالیت سیاسی و ایدئولوژیک. این خواهران و برادران را با رهنمود و کمک خواستارند، بنظر ما این مسئله یک واقعیت اجتماعیست و باید با آن بصورت "واقعیت" برخورد کرد. تعدادی از خواهران و برادران ما آن چنان از این مسئله عصبانی و ناراحت شده‌اند که بارها تهدید می‌نمودند که اعتراف و عجز و ... کرده‌اند. در حالیکه واقعیت مسئله ایست که مشکلات متعددی در سر راه کل جنبش وجوددارد. یکی از آنها هم این است. بنابرین خواهران و برادران با این واقعیت باید واقع بیانه برخورد کنند. و مشکل خود را جزئی از مشکلات کل جنبش بدانند

برای افشاکری با یکطرف مبارزه صدامبرایستی خلقمان را به پیش براند و از طرف دیگر در بالا بردن دانش سیاسی-ایدئولوژیک مؤثر باشد

برای افشاکری با یکطرف مبارزه صدامبرایستی خلقمان را به پیش براند و از طرف دیگر در بالا بردن دانش سیاسی-ایدئولوژیک مؤثر باشد



اسناد و مدارک امپریالیزم آمریکا را افشا کنید

اعضای هیئت برنام افغان هم درجه خود در ارتش ایران ارشدیت خواهند داشت

بدینال تأخیرهای مقامات مسئول در افشای متن و محتوای قراردادهای اسارت با نظامی - اقتصادی و با امپریالیزم آمریکا ما با توجه به امکانات آنگدان بنا به وسایط ممکن و ضمایر مالیتهی خود با افشای آنچه توسط علاقمندان و هواداران در دستمان بود اقدام خواهیم کرد.

متن کامل قرارداد هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران

با فرستادن اسناد برای افشای ما را یاری کنید

تقسیم به پرسنل انقلابی ارتش که زیر بار چنین قراردادهای اسارت باقی نمانند و سرگردان

قرارداد بین دولت کهنه های خند آمریکا و دولت کهنه ها سالیسی ایبران ...
AGREEMENT BETWEEN THE GOVERNMENT OF THE UNITED STATES OF AMERICA AND THE GOVERNMENT OF IRAN.
In conformity with the request of the Government of Iran to the Government of the United States of America, the President of the United States of America has authorized the appointment of officers and enlisted men of the United States Army to constitute a military mission to Iran under the conditions specified below:
TITLE I - PURPOSE AND SCOPE
Article 1. The purpose of this Mission is to cooperate with the Military of Iran ...
Article 2. This agreement shall be effective from the date of signing of the agreement ...
Article 3. If the Government of Iran should desire that the services of the Mission be extended beyond the stipulated period, it shall make a written proposal to that effect prior to the expiration of the Mission ...
Article 4. This agreement may be terminated prior to March 20, 1947, in the following manner:
- 1 -

در این شماره و چند شماره آینده متن کامل اولین قرارداد هیئت مستشاری آمریکا در ایران را با ترجمه آن چاپ خواهیم کرد. برای درک

UNITED STATES GOVERNMENT PRINTING OFFICE: WASHINGTON: 1946
MILITARY MISSION TO IRAN
Agreement Between the UNITED STATES OF AMERICA and IRAN
Signed at Tehran October 6, 1947
Entered into Force October 6, 1947
[Reprinted October 1954]

دستی و اجرا شد این قرار داد که به ظاهر برای مدت ۲ سال منعقد شده بود (۲۸ - ۲۶) بارها و بارها تجدید شد و چه بسیار موارد حقاقت بار دیگری که بر آن افزوده شده است. سندی که در اختیار نامت، مربوط به سالهای ۱۳۳۳ (۱۹۵۴ میلادی) یعنی درست بعد از کودتایست در پشت جلد سند نوشته شده است (Annex Octroen) اما قرارداد "عملا" تا ۱۳۵۷ به قوت خود باقی مانده و اجرا می آید. در اینجا ملاقات هیئت مسئول طرح شوشوکه سرانجام این قرارداد با همکا انجامید و آیات ملت ایران حق داشت و ندارد که از جزئیات تقصیر با خبر شود؟ افشای این اسناد ضایع چه گروهها و افرادی را به خطر میاندازد؟

طبق ماده ۳ دولت شاهنشاهی ایران برای اینکه سایه آریابان را بر سر خود مستدام بدارد با هیئت نظامی تمدید را کنیا و کمپل قبل از انقضای مهلت به طرف آمریکا اعلام دارد تا مهادا ارباب آمریکائی بنیطان شده و تکریدی دست یابند. اینجاست که باید گفت: سید از بی صیاد دیدن مژه دارد.
از بند الف ماده ۳ آمده است. برای لغو قرارداد هر یک از طرفین بایستی سه ماه قبل کنیا بطرف دیگر خبر دهند اما در بند ۳ همان ماده آمده است: "دولت آمریکا حق دارد هر وقت که "ضایع علی آمریکا" اقتضای کند کلیه کارشناسان هیئت را احضار کند بدون اینکه لازم باشد تمسک آن هیئت را رعایت کند."
خوب توجه کنید! مقایسه بین "منافع ملی آمریکا" در بند ۳ ماده ۳ و "بهبود وضع ارتش ایران" در ماده ۱ دم خروس ضایع امپریالیستی را از لای قباب هیئت مستشاری آمریکا که خوب نمایان میبازد. در مورد بند ۳ ماده ۳ در پیوندها با سایر موادنه تفصیل صحت خواهیم کرد.
"منافع ملی آمریکا" (یعنی ارتش ایران) بجا می آید یا ستادی بخوانید) سمت فرماندهی می ستادی خواهند داشت.

دولت آمریکا حق دارد هر موقع که "منافع ملی آمریکا" اقتضا کند کلیه کارمندان را احضار کند

نامه سعادت بی دانشجویان پیرو خط امام

این نامه را سعادت بی تاریخ ۲۱ آبانماه فرستاده است. ولی از یک طرف چندین روز دیرتر بدست ما رسید و از طرف دیگر فرستاده که به علت تراکم مطالب نتوانستیم چاپ کنیم. از ۱۰ بیست روز از تاریخ نگارش آن میگذرد. ضمنا بدست مایع بودن نامه اجبارا آنرا خلاصه کردیم.
بنام خدا
بنام خلق فخران ایران
درد در دانشجویان انقلابی که با اقدام شجاعانه خود در سرکهای جدید و از انقلاب کوهنشدن خلفان گندید. سرکهای که میرفت تا پایان و اقسام تولدشای آشکار و نهان توسط فرصت طلبان تیره و تار و رشود. شما نشان دادید که چگونه میتوان در عمل تمامی خلق را حول محور واقعی خویش پیچید و پیوند شور و شوق انقلابی را در مین خونمان بار شکرنا ساخت. باری، انقلاب بعد از سرنگونی دستگاه دیکتاتوری و تنها و تنها در تمام عباد امپریالیستی آن بود که می توانست در مسیر زندگی و رشد خود به حرکت ادامه دهد. در این مسیر بود که تمامی خلق بطوریکه پاره سیس می گشت و کام بگام ارزشهای انقلابی خود را تحقق می بخشید. ولی بدیم که چگونه بعد از پیروزی ارتجاع با فعالیت افتاد تا این موج خورشان را با خاخانی گرداند و با آبرو بدور خویش در یک خط انقلابی بچرخاند. چیزی که در نهایت جراتی و سرخوردگی از انقلاب برحاجت گزیران سرانجامی داشت. این امپریالیزم به تجربه دریافته بود که در حالت نظامی در ایران نماندنا بود که نفی او نیست بلکه خود بدست خویش خراب میباید. با بصورت گزیران سیس خویشتن را خواهد آورد. لذا بطور بسیار راهزانه و زیرکانه به خرابکاری و ایجاد شرایط روحانی خاص، بجهت رشد ارتجاع و پس زدن نیروهای انقلابی پرداخته و بطور حتم می توان قبول کرد که در این خط فنی تمامی دولتخانه امپریالیستی از وحدتی کامل سرگردگی

معاون سو - وظایف، مبرمان و ارشدیت
ماده ۱ - اعضای این هیئت مرکی از ادارات ستاد مستشار خواهند بود. "ارتش مستشار" تحت ریاست جنرال سانزلی و تحت نظارت امریکائی "منافع ملی آمریکا" خواهد بود. "منافع ملی آمریکا" در بند ۳ ماده ۳ از لای قباب هیئت مستشاری آمریکا که خوب نمایان میبازد. در مورد بند ۳ ماده ۳ در پیوندها با سایر موادنه تفصیل صحت خواهیم کرد.
"منافع ملی آمریکا" (یعنی ارتش ایران) بجا می آید یا ستادی بخوانید) سمت فرماندهی می ستادی خواهند داشت.
- 3 -

۱ - در وقت کهنه های خند آمریکا حق دارد هر وقت که "منافع ملی آمریکا" اقتضا کند کلیه کارمندان را احضار کند.
۲ - در وقت کهنه های خند آمریکا حق دارد هر وقت که "منافع ملی آمریکا" اقتضا کند کلیه کارمندان را احضار کند.
۳ - در وقت کهنه های خند آمریکا حق دارد هر وقت که "منافع ملی آمریکا" اقتضا کند کلیه کارمندان را احضار کند.
۴ - در وقت کهنه های خند آمریکا حق دارد هر وقت که "منافع ملی آمریکا" اقتضا کند کلیه کارمندان را احضار کند.
۵ - در وقت کهنه های خند آمریکا حق دارد هر وقت که "منافع ملی آمریکا" اقتضا کند کلیه کارمندان را احضار کند.
- 4 -

اعضای هیئت برنام و امپریالیست های ارتش ایران برخورداری می گردند

اعضای هیئت برنام و امپریالیست های ارتش ایران برخورداری می گردند. این نامه را سعادت بی تاریخ ۲۱ آبانماه فرستاده است. ولی از یک طرف چندین روز دیرتر بدست ما رسید و از طرف دیگر فرستاده که به علت تراکم مطالب نتوانستیم چاپ کنیم. از ۱۰ بیست روز از تاریخ نگارش آن میگذرد. ضمنا بدست مایع بودن نامه اجبارا آنرا خلاصه کردیم.
بنام خدا
بنام خلق فخران ایران
درد در دانشجویان انقلابی که با اقدام شجاعانه خود در سرکهای جدید و از انقلاب کوهنشدن خلفان گندید. سرکهای که میرفت تا پایان و اقسام تولدشای آشکار و نهان توسط فرصت طلبان تیره و تار و رشود. شما نشان دادید که چگونه میتوان در عمل تمامی خلق را حول محور واقعی خویش پیچید و پیوند شور و شوق انقلابی را در مین خونمان بار شکرنا ساخت. باری، انقلاب بعد از سرنگونی دستگاه دیکتاتوری و تنها و تنها در تمام عباد امپریالیستی آن بود که می توانست در مسیر زندگی و رشد خود به حرکت ادامه دهد. در این مسیر بود که تمامی خلق بطوریکه پاره سیس می گشت و کام بگام ارزشهای انقلابی خود را تحقق می بخشید. ولی بدیم که چگونه بعد از پیروزی ارتجاع با فعالیت افتاد تا این موج خورشان را با خاخانی گرداند و با آبرو بدور خویش در یک خط انقلابی بچرخاند. چیزی که در نهایت جراتی و سرخوردگی از انقلاب برحاجت گزیران سرانجامی داشت. این امپریالیزم به تجربه دریافته بود که در حالت نظامی در ایران نماندنا بود که نفی او نیست بلکه خود بدست خویش خراب میباید. با بصورت گزیران سیس خویشتن را خواهد آورد. لذا بطور بسیار راهزانه و زیرکانه به خرابکاری و ایجاد شرایط روحانی خاص، بجهت رشد ارتجاع و پس زدن نیروهای انقلابی پرداخته و بطور حتم می توان قبول کرد که در این خط فنی تمامی دولتخانه امپریالیستی از وحدتی کامل سرگردگی

با توجه به اسناد با سؤالات زیر جلب نظر می کند:

- ۱- وظیفه واقعی این هیئت نظامی در ایران چه بود است؟
- ۲- قرارداد مزبور برای چند سال منعقد شد؟ "عملا" چه مدتی بطول انجامیده است؟
- ۳- وظیفه تعیین "اصول کار" ستاد ارتش ایران "به عهدچه گمانی" است؟
- ۴- بازرسی و تحقیق در ارتش ایران توسط چه کسانی میگردند و چرا؟
- ۵- برای پاسخ به سؤالات فوق و سؤالات بی شمار دیگری که در ذهن هر خواننده صادق منک است بوجود آید

اعضای هیئت برنام و امپریالیست های ارتش ایران برخورداری می گردند

اعضای هیئت برنام و امپریالیست های ارتش ایران برخورداری می گردند. این نامه را سعادت بی تاریخ ۲۱ آبانماه فرستاده است. ولی از یک طرف چندین روز دیرتر بدست ما رسید و از طرف دیگر فرستاده که به علت تراکم مطالب نتوانستیم چاپ کنیم. از ۱۰ بیست روز از تاریخ نگارش آن میگذرد. ضمنا بدست مایع بودن نامه اجبارا آنرا خلاصه کردیم.
بنام خدا
بنام خلق فخران ایران
درد در دانشجویان انقلابی که با اقدام شجاعانه خود در سرکهای جدید و از انقلاب کوهنشدن خلفان گندید. سرکهای که میرفت تا پایان و اقسام تولدشای آشکار و نهان توسط فرصت طلبان تیره و تار و رشود. شما نشان دادید که چگونه میتوان در عمل تمامی خلق را حول محور واقعی خویش پیچید و پیوند شور و شوق انقلابی را در مین خونمان بار شکرنا ساخت. باری، انقلاب بعد از سرنگونی دستگاه دیکتاتوری و تنها و تنها در تمام عباد امپریالیستی آن بود که می توانست در مسیر زندگی و رشد خود به حرکت ادامه دهد. در این مسیر بود که تمامی خلق بطوریکه پاره سیس می گشت و کام بگام ارزشهای انقلابی خود را تحقق می بخشید. ولی بدیم که چگونه بعد از پیروزی ارتجاع با فعالیت افتاد تا این موج خورشان را با خاخانی گرداند و با آبرو بدور خویش در یک خط انقلابی بچرخاند. چیزی که در نهایت جراتی و سرخوردگی از انقلاب برحاجت گزیران سرانجامی داشت. این امپریالیزم به تجربه دریافته بود که در حالت نظامی در ایران نماندنا بود که نفی او نیست بلکه خود بدست خویش خراب میباید. با بصورت گزیران سیس خویشتن را خواهد آورد. لذا بطور بسیار راهزانه و زیرکانه به خرابکاری و ایجاد شرایط روحانی خاص، بجهت رشد ارتجاع و پس زدن نیروهای انقلابی پرداخته و بطور حتم می توان قبول کرد که در این خط فنی تمامی دولتخانه امپریالیستی از وحدتی کامل سرگردگی

پرتوی از زیارت عاشورا

بقلم سعید مازندرانی

فریاد فوری و تپنده بل بخاطر یک تصریح بر یک تبار مقدس و سیاسی است که دشمنی امام حسین در پیوندن آن و خارجی عربی کردن حسین (ع) غایت کردند. کما اینکه روز نیز می بینم برای شخص نبودن تبار مقدس و سیاسی این فرد یا آن گروه ایسماها با استعماری متعلق را که حسین گزینی با همگرای های مختلف مقدس و سیاسی است بر نام آن می افزایند. پس در آغاز با این دشمنی هاست که به حسن علیهم السلام درود می فرستیم. سلام، این فتنی ترین و زورنازترین رزق اسلام تعاری است سین تمامیت فلسفه توحید و حرکت و فنی مقدس است و سیاسی اسلام. رزق جاودانه آشتی و وحدت و یگانگی که ست و چهارچوب و نسین سلامگویی تعهد را بر ملا میکند. و به این ترتیب اسالت وحدت و یگانگی را در نهاد جهانی بر از نتایج و نفاذ اشکار میبارد. پس بدانکتی که در چارچوب ماتریالیسم تکلیف برضای زوجیت تضاد ماده گویانه را دردم شکسته و به سوی یک صال و وحدت تکرار بر میگردد. برانجامی است که بر پاساونه از صلح و صفای جلودان و مزاری را کویلت و اضمحلال خبر میدهد. نکته دیگر در این مجموعه سلامها مرفی صاحب فلسفه السلام بعنوان فرزند صاحب و صیبان برترین است. و دست چیست؟ بهمانگداری و محاربتی در طولانی برای استناد یک خط و هدف. و طبیی است که هر چه شخص از حران بزرگتر و بالاتر است، به ارزشهای بی تنالیتری محاربت میبندد و استناد آنها را خواستار میشود. استنادی فراتر از حواص و سازهای محدود شخصی یا خانوادگی بدان حد که در نهایت روح خود بر سر تمام خاندان بیخ سینه گستر میبندد و تنگی و سلامت و بهروری تمام آنها را طلب است. اینجاست که می بینیم حسن، سرور شهیدان در استناد حرانی از صاحبان و سامای بزرگ، حامل چنان وصیتهای و ارزشهای تاریخی و مقدسیتی حرفی میخورد که در مارت عدی به وضوح "خون خدا" لقب میگردد...

پرتوی از زیارت عاشورا
فریاد فوری و تپنده بل بخاطر یک تصریح بر یک تبار مقدس و سیاسی است که دشمنی امام حسین در پیوندن آن و خارجی عربی کردن حسین (ع) غایت کردند. کما اینکه روز نیز می بینم برای شخص نبودن تبار مقدس و سیاسی این فرد یا آن گروه ایسماها با استعماری متعلق را که حسین گزینی با همگرای های مختلف مقدس و سیاسی است بر نام آن می افزایند. پس در آغاز با این دشمنی هاست که به حسن علیهم السلام درود می فرستیم. سلام، این فتنی ترین و زورنازترین رزق اسلام تعاری است سین تمامیت فلسفه توحید و حرکت و فنی مقدس است و سیاسی اسلام. رزق جاودانه آشتی و وحدت و یگانگی که ست و چهارچوب و نسین سلامگویی تعهد را بر ملا میکند. و به این ترتیب اسالت وحدت و یگانگی را در نهاد جهانی بر از نتایج و نفاذ اشکار میبارد. پس بدانکتی که در چارچوب ماتریالیسم تکلیف برضای زوجیت تضاد ماده گویانه را دردم شکسته و به سوی یک صال و وحدت تکرار بر میگردد. برانجامی است که بر پاساونه از صلح و صفای جلودان و مزاری را کویلت و اضمحلال خبر میدهد. نکته دیگر در این مجموعه سلامها مرفی صاحب فلسفه السلام بعنوان فرزند صاحب و صیبان برترین است. و دست چیست؟ بهمانگداری و محاربتی در طولانی برای استناد یک خط و هدف. و طبیی است که هر چه شخص از حران بزرگتر و بالاتر است، به ارزشهای بی تنالیتری محاربت میبندد و استناد آنها را خواستار میشود. استنادی فراتر از حواص و سازهای محدود شخصی یا خانوادگی بدان حد که در نهایت روح خود بر سر تمام خاندان بیخ سینه گستر میبندد و تنگی و سلامت و بهروری تمام آنها را طلب است. اینجاست که می بینیم حسن، سرور شهیدان در استناد حرانی از صاحبان و سامای بزرگ، حامل چنان وصیتهای و ارزشهای تاریخی و مقدسیتی حرفی میخورد که در مارت عدی به وضوح "خون خدا" لقب میگردد...

استقامت علیک یا ثار الله و این تاره و الوتر الخیر
سلام بر تو ای خون انقلابی خدای و فرزند خدای او و ای یگانه و منزای که همزور خونت پس ناگفته است...
براستی بیداست کجا حسین و نظایر او هستند که به شاه فترده و عماره تکامل همچون روزگاری وجود جریان یافته و آرمانهای خدایی را تحقق میبخشند و درست به همین دلیل متواضع گشته اند تا از هنوز قضای نشده دانست. بر هیچ سحر حسینی که فرینا بر فراز مرتضی شهیدان کرلا در اعتراض است بهیمن خدا است. چرا که او وقتی که از آرزوهای خدایی این جهان عشق کامل نیانداختن جریان شهنشال تحقق آنها را ضرورت کامل همچنان ادامه دارد. به منارت دیگر تا وقتی که درهای از آرزوهای خدای و فدای علی، که همان سنگری

عاشورای لویزان حماسه شجاعت و مردانگی و تجلی گاه اراده انسانی

مرکز سرخ مشعلی است فرا راه انسانها در دست یافتن به کمال و توحید و دیباچه ایست بر تحقق آزادی و یگانگی

بود اما نگران و در تنویتی از دیدن صبح، در حالت آمادباش درناهارخوری گردیدند و بر کون اینانها آماده شدن برای ستیز و کشتاری دیگر بودند. مهرمانان شهید "سلامتبخش" و "امیدی" نیز که شاید شب را صبح چون "حر" با خود جدال داشتند، صبح هنگام درحالیکه تصمیم خود گرفته و راه حسین را برگزیده بودند شجاعت نقشه اقدام مزدوران شاه را کشیدند. اردوی "یزید" را ترک کردند و با عیوش باز و مهربان خلق پیوستند. و براسی هم چون حر بنیاب بودند که اولین کسی باشند که مرگ را پذیرا شوند، با انتقام رنج و فقر و گرسنگی و جهل چندین ساله خلق را که برای آنها بسیار آشنا بود بازماندند. مگر همین گروهان نلامتبخش نبود که همیشه هنگامیکه سوار سروس میبند، ته انبوس کتاب را میگشود و پنهان از چشم اغیار به جستجو میبرد اذت. مگر بارها بقیه پرسنل او را ندیده بودند که در محل کارش در حالیکه پردهها را کشیده، با محالعه کتاب، به راپورتر کردن کینه عمیق خود نسبت به ضد خلق مشغول بودند...

مقدمه:
مرگ سرخ مشعلی است فرا راه انسانها در دست یافتن به کمال توحید و دیباچه ایست بر تحقق آزادی و یگانگی.
تکامل در مسیر پرفراز و نشیب و خلاق خود، راه بسوی هدف و غایت هستی. میگذایند و در این رهگذر به آفرینش ماهیمن مقدس می نشیند که بزندگی انسانی که چگیده و محمول این حرکت کوشمند است معنا و مفهوم میبخشد. با نیات مهربانند که چگونه "رهایی" جوهری و محتوای تکامل است و "شهادت" درگذرگاههای بهتشارش، گره گشای مصلحت آن نشان میدهد که چگونه مرگ سرخ مشعلی است فرا راه انسانها در دست یافتن به کمال و توحید، و دیباچه ایست بر تحقق آزادی و یگانگی.
تاریخ سرخ اسلام و تشیع نیز با عرصه "نوعهایی همچون عاشورا، گواهِ انطباقش بر این مسیر خدایی و تکاملی است. عاشورایی که سادی بهام راهی و آزادی در کوشش تمام انقلابیون تاریخ است. در این دانشگاه سرخ و همیشه زنده و انقلاب، درگوشای "سلمین عقیل" است که درس قطعه قطعه شدن در راه هدف دوست میدهد. بدرکاری "عباس" راپورس فاکاری و از خود کشتگی می آموزد... یوحایی راهم "حر" بر می شانند ان مقام والای انسان در هستی برگزیده و از نقش بن بست نکلن او در تیره تیره زمین روزها و در پست نغز نابذ سرخهای سخت، آنجا که هیچ روزنه ای پدیدانست، و از گوهز آرزوند اراده انسان میگوید. آبا تا نفسی که "حر" سنا می رهایی میدهد؟



محمد فروغی مقدم مشعلی مکتب عشق

وصیت نامه سر سراز وظیفه شهید ناصرالدین امینی عابد

کتاب: وصیت نامه سر سراز وظیفه شهید ناصرالدین امینی عابد

مقدمه: هر کس که در راه خدا جان خود را فدا کند...

مقدمه: هر کس که در راه خدا جان خود را فدا کند...

مقدمه: هر کس که در راه خدا جان خود را فدا کند...

مقدمه: هر کس که در راه خدا جان خود را فدا کند...

مقدمه: هر کس که در راه خدا جان خود را فدا کند...

مقدمه: هر کس که در راه خدا جان خود را فدا کند...

مقدمه: هر کس که در راه خدا جان خود را فدا کند...

مقدمه: هر کس که در راه خدا جان خود را فدا کند...

مقدمه: هر کس که در راه خدا جان خود را فدا کند...

مقدمه: هر کس که در راه خدا جان خود را فدا کند...

مقدمه: هر کس که در راه خدا جان خود را فدا کند...

مقدمه: هر کس که در راه خدا جان خود را فدا کند...

مقدمه: هر کس که در راه خدا جان خود را فدا کند...

مقدمه: هر کس که در راه خدا جان خود را فدا کند...

مقدمه: هر کس که در راه خدا جان خود را فدا کند...

من انتقام خون افراد بیگانه را گرفتم، که در ۱۷ شهریور شهید شدند، من بخاطر اسلام و مردم دست به کارم زدم
سال نقد خوری دو درب داشت، مسئولیت یکی را سر سراز امیدی بعد از گرفت در همین هنگام یکی از مزدوران که از در خارج میشد مورد اصابت اولین گلوله او قرار گرفت و زخمی شد، بقیه سراسیمه و کویق قبل از اینکه راه گزیری بماند با فریاد کوشش گروهان خلاصت میروند: "بهرایا درود بر خورشید... و منتقام آن رگبار گلوله از دوطرف باریش گرفت: فریاد انتقام خلق بود که از اوله سلمسیا بی تازانه بر سر روی این فردان آزادی انسانها فرو می ریخت. صدای "مرگ بر شاه" از در دستها بگوش میرسد و اینجا کویق چکاچک شمشیر "حر" در میدان تیرد، اینک انگلی میبارد و بیافت از اعناق تاریخ بگوش میرسد، ولی ایگاش بیلگری و مهربای و نشاط فرماندهان گارد نیز حضور داشتند. ۶۵ جنازه برجاماند، و صامه آفرینان شهید نیز اوج گرفتند و به پرواز درآمدند تا هر چه زودتر پیام هر چه بدتر شدن صبح و بیروزی را به شهادای ۱۷ شهریور برسانند. آخر گروهان سلامت بخش در وصیتنامه خود ذکر کرده بود: "من انتقام خون افراد بیگانه را گرفتم که در ۱۷ شهریور شهید شدند، من بخاطر اسلام و مردم دست به انگار زدم..."
گرچه اهمیت کاری که آنها انجام دادند بسی بیشتر از کشتن عده ای مزدور و غلظان بود، در حقیقت آنها اولین قربانی تازی را بر پیگر سیستم ضد مردمی شد فرود آوردند.

چند رساله های میثوان از این واقعه گرفت؟

اگر چه بعدها پس از این واقعه سرهنگم بیلگری مدوم فرمانده لشکر گارد جاویهان گفت: رانجام سرخ و سیاه با مصلحت برادرها را بجان هم بیندازد و روز ۲۱ بهمن هم بدرهای و نشاط با خود آندند و گفتند هر کس از پادگان بیرون برود او را بکشند، ولی خلق نشان داد که در عهدایی چیزی نیست که بخود با داهان آنها را خاموش کرد.
"بیزدن لیلغونو اینوز الله یا فوجیم والله شیم نوره و لورکه الکاغوز"
بهام این شهدا را بگوش جان شنیدم، در دیوار واپنه بزرگ سالن باقیقت. کویق می خواهند بهام این شجاعان را همواره چون گوهری بر ارزش خلق حفظ کرده و بنمایانند. همواره گویند که:
در سینههای شرایب زواریها، آن هنگام که از حق جز کورسوی باقی نمانده است، نباید تا امید شد، مثلداران راه توحید و کمال بن بسنها را خواهند شکست و جانشینیان راستین خدا در زمین، راه بسوی هدف خواهند کشند/ و لکن خلق الله فی زبانه این امر نیز سرسبست... جز با انکار بر عنصر آگاهی و اختیار انسانی که تنها در یک دیدگاه واقفکاری توحیدی قابل نسین و پاسخ است.
همواره بگویند و با نیات برسانند که رژیم ضد خلقی، حتی روی گارد جاویهان نشان آنزین میبایستند حساب کنند. انگاه که نسیم انقلاب وزیدن گیرد، هیچ مانعی توان ایستادگی در برابر آنها نخواهد داشت. در حقیقت اینجا امر خداست که باید تحقق یابد و بر این "لائحه" جبرون شافقه و لایسجلیون همواره بگویند که خلق ما دارای نیانیدن بحق و نیانستی است، حتی در سیستم ارتش شاهنشاهی است. همان پرسنل مستضعف ارتش که تنها کسانی هستند که میثوان با نیات تکیه نمود. و بدون راهم و ترس از نداشتن سلاح و تخصص و دستور از هرگونه روابط تمدنی و ضد توحیدی نظیر اطاعت گورگروان و... و بساداری از حقوق خلق را با نیات انکار و گذار نمود.
... و بالاخره به امیرالسلطنه جنابکار آمریکا نسیب بزند که در صورت کوچکترین چشماندازی، بمباره خلق قهرمان ایران و نیروهای انقلابی، ایران را گور امیرالیالمس خواهد نمود.

چند رساله های میثوان از این واقعه گرفت؟

حماسه آفرینان عاشورای لویزان

واقعه در زمرطاهر مستحکم گارد اتفاق افتاد. ظهر عاشورا، بیستم آذرماه ۱۲۵۷. درست در همان هنگام که شتهادای گورگردد خلق، سیکه آسان را می شکفت، و فریادهای پرکن اینها با صدای حماسه حسین دیوار حاکم بر این سرزمین را می شکست، در گوشای دیگر، در سالن تاهارخوری ساختمان طبقه گارد میرفت تا "حر" های زنده، با تاهارورا را هر چه زودتر کنند. و با شعله و کار وجود خویش مثل راه توحید کردند. گروهان "اسامحیل لایمات بخش" و سر سراز وظیفه "تارمالدین امیدی عابد" همهجا روشنی افروز این شهبای تاریک شدند. چون شهادت از کمان چیدند که آرش و با ساداران مهربای آزادی خلق محروم ایران گشته، این صدای تیره و تار با فراغ بال و بی نظایر از بیخ و سستی که توده های مردم را بخوابانها و بجلوی گولها... دروازه گشاده

چند رساله های میثوان از این واقعه گرفت؟

شعر خون در فلسطین در بند

مردم در زیر فشار و شکنجه دشمن ، وقتی ندانند که دهنی لازم را ندیده باشند مایوس می شوند بی آنکه با فریاد و مشت گره شده های به مقاومت برخیزند ، پرواز به ستم تن می دهند

اگر چه زندگی در اشد گذشت ولی کشتی که در دل دردم زافر برای زمستان من است (محمود درویش)

تغر رسته در زندگی دارد . وقتی شلی آواره می شود و همه جا عسکریه و تجاوز و کشتار و فقر میزبان اوست ، چگونه ساکت بماند و به وضعیت نکتت بار تن دهد . وقتی جوانبش با لمان خونین رخسایشان ، بر رنگهای دام بوسه میزند ، و با آنجا که روزی سر سامانی داشته اکنون باید در سرما و گرما در زیر چادر ، با مدقه ملیب سرخ زندگی کند چگونه می توانستند .

فردا زمستان می آید فردا باد کوبیده خواهد شد ، وزمین را باران فر خواهد گرفت هر کسی در زمستان سر بهنای دارد ولی من در رفیقان و خوبانم در ششای سرد تنیدگاههای لغز آفر سر به روی دست می نهم و چشم می بندم (سالم جبران)

مردم ، در زیر فشار و شکنجه دشمن وزندگی ، وقتی تدارک ذهنی لازم را ندیده باشند مایوس می شوند بی آنکه با فریاد و مشت گره شده های به مقاومت برخیزند ، پرواز به ستم تن می دهند ، این ما پس از سرکوبی برای شاعری که شسته نشسته دلگرم کننده است ، برسنگوت و تسلیم مردم می تازد بی آنکه نداند ، مردم گاهی نماندند ، و اگر نسبت به سرنوشته خود ، قدرت گزاف خود واقف شوند و حرکتی ، تپش و یا سخنان را بپزند ، از جان دادن در راه آرمانهای ارزشمند ترسی نمانند . ولی شاعر این را نمی داند و از مردمی که هستی ، عشق ، امید و خوبانانشان را در تهاجم صهیونیست های وحشی از دست داده اند توجع ابراز قدرت خلافت دارد ، از مردمی که شکت چند ارتش فوی کشورهای عربی را در بند ۱۹۶۸ دیده اند و تکه تکه شدن رزنها ، پهچها و بردهاها را در کفر قاسم و دیر باسن و ... شاهد بوده اند و در غربت آینه خون و دردی ، هیچ فریادرسی ندیده اند چگونه می توان انتظار داشت که با شکت گرسنه ، قلب محزون و دستهای خالی در برابر سبکترین در زخم تاریخ بایستد ، طبیعی است که با آینه ناتوانی که از ارتش های عرب ، مبارزان غوری و آینه خونینی که از دشتن دیده اند ، آورا شکت ناپذیر بدانند .

شاعر نماندند این مردم جزایمی می خواهند و برای روشن شدن چراغ کبریتی می خواهند که خرم خشم فروخورده شان را متغیر کند ، امیدشان دهد و چشمتان را به چشمانداز برشور آینه باز کند و در تهر بهای دشتن شکت بپذید که اراده انسان ، بر تانک و توپ متراژ جیره شود و تنگ گینه در پنجه انقلابی ، می تازد بر پیچیده ترین سلاهیای مدرن غلبه کند ، چرا همین مردم ، وقتی اولین سرورزی سازمان آزادی بخش در سال ۱۹۶۸ یعنی در نبرد کرانه ترس و پاشان را ریخت و اسلحه شکت ناپذیری اسرائیل ، پراختان مثل ساختمان بوسیده ای دردم ریخت ، دیگر هرگز از مقاومت دست نکشیدند و تنگ هدم همشگرتان شد و حسن مردم ، فلسطین را قلب خون چکان عاوری مانده کرده اند . شاعر در آن سالهای با من رو کرد ، نمی تواند به تکلیف ناتوانی مردم بی برادر و بی سران و ریشهای زیتون هایت

تا نور و سرزمین خراب و ریشهای زیتون هایت لانه های جند و عقاب - چه کسی اسلحه دان را آماده میکند ؟ چه کسی اسلحه خاک را بهار می نشاند ؟ برادرت کجاست ؟ پدرت کجاست ؟ پس چرا شکت نمی شوی ؟ مادامی که جسم پدرت بر کشتن های " شت " مطلوب میشود ما اندوه را با ناله های حمل کردیم و سحر شد اندوه آتش است طوفان ها نزد تست چرا مهارش می کنی ؟ (محمود درویش)

شاعر میدانند برای درک زنی بیاد یک نظام ، به کینه عمیق نسبت به آن نظام نیاز هست ، ولی مردم در آن شرایط عقاب و ناکامی و ناامیدی ، پیام مجاهد اسیر سید محمد رضا سعادت بی نهایت سالگرد مجاهد شهید حسن ابراری فراموش نمی نم که چگونه در آخرین لحظات حیاتش ارتجاع بطور وقیحانه ای او را به توبه فرامی خواند

این هفته محافد بود با شهادت مجاهد شهید حسن ابراری ، متأسفانه بدلت کمبود جا نتوانستیم زندگی نامه این رزمنده دلیر خلق را چاپ کنیم ، می میکنیم هفته آینده به چاپ آن مبادرت ورزیم . در زیر پیام مجاهد اسیر سید محمد رضا سعادت را به همین مناسبت می آوریم :

بنام خدا

بنام خلق قربانان ایران

" من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنین من فقی نهم و منهم من ینتظر و ما یلدوا تیدیا "

روز چهاردهم آذر ، موسس سالگرد شهادت مجاهد شهید حسن ابراری است . او را در سر حراجه چهاردهم آذر ۱۳۵۵ در شرایطی به میدان تیر بردند که از یکطرف برادران ما پیش از یکسال بود که مورد هجوم خانان اپوزیونیستهای چپ ناسواغ شده بودند و از طرف دیگر ارتجاع با بورش همه حاشیه خویش حتی در گرمی آخرس رفق آنان بود و در ورگی تمام انشیا ، دستگاه فاشستی و مزدور آریابوری آخرس تلاش خود را در شکار کامل آنها نمود . فراموش

میرتوانند از لغت و کینه شان برای مبارزه با دشمن استفاده کنند . به ملت هر روز زمان ، شاعر مجبور میشود ، جدا از توده ها عمل کند ، با کلام و حتی با تنگ

بعد از رویه ۵۲ که ناصر حامی فلسطین ، در مصر به قدرت رسید ، شعرا با دلگرمی بیشتری برای مبارزه مسلحانه و ابتدا از طریق کتاب و مجل و روز به انتظار از رژیم اشغالگر و ضد مردمی پراختند و حتی کردند هر چه بیشتر مردم را نیز با آن رمز و کناهای آشنا کنند ، این حرفه زیر حاکمیت برای مردم تنگ فلسطین بسیار انگیزنده بود .

دولت فاشستی اسرائیل برای جلوگیری از این موج فریادنده سانسور را شدیدتر کرد و با تیر و شلیک و تبعید و زندان با آن به مقابله پرداخت . فاعل از اینکه (وقتی شلیک خواستار حیات شود ، نقد بر بناچار کردن می نماند ، شب می شگافد و به روشنی می گرید و توجیهها گسته می شوند) ، و با هر فریادی شت گره شده ای به هوا بلند میشود و هر شلیک و زندانی ، شهیدها می پروراند در این مورد قصه شاعری شاعر شهید فلسطینی نمونه گویای است :

در سال ۱۹۶۴ دیوان شعر عاشقانه عبدالحمید شاعری پس از یکسال بررسی از زیر ماطور سانسور دستگاه امنیتی اسرائیل گذشت و بی ضرر شخصی داده شد . اما سه سال بعد وقتی یکی از مبارزان فلسطینی در ارتباط با تبعیت آزاد بخش که از سال ۵۶ در خط شروع بکار کرده بود شکت شد ، پلیس در ضمن کشتن کتابهای او به کتاب شعر شاعری برخورد که آن مبارز زیر حط شعر خط قریب کشیده بود ، پلیس که برای خیابان بندی غوری که از پرورزی نامر در سال ۵۶ در قصه ملی سخن کانال سوئز بر انگشت و فرانسه و اسرائیل در فلسطینی های مناطق اشغالی آمده بود سبزه بهانه ای متوسل میشد ، بخاطر همان چند بیت شاعری او به محاکمه کشید

در دادگاه ۱۰ بیات که صرفاً " عاشقانه بود مورد تفسیر قرار گرفت ، اصل شعر به این شرح است :

با وجود آن شب خیانت پشنه با وجود آن شب رنج آفر جلوه گری میکند داستان شتیز تو " کفر قاسم " با همه آتشی که بازان گونه از آسمان فرو می ریزد با وجود گلومهائی که به فراوانی از سلسله جاری بود تا آمده ایم چه می رسد ، بسیار رنگ در پیش پایمان نهاد است ...

این شعر سه سال بعد در یکی از جلسات محفی شعر جوانی در منزل یک یهودی دوستدار فلسطین خوانده شد ، آن توستند یهودی که بنامش تهور نام داشت از شنیدن شعر و شرح قتل و کشتار مردم بی پناه " کفر قاسم " متقلب شد و آن را به صبری ترجمه کرد و انتشار داد .

این ترجمه بلوای بی کرد و گروه زیادی از یهودیان فلسطینی که از رژیم پهلوی - نظامی اسرائیل به ستوه آمده بودند به دفع فلسطین تطهارت کردند . در این قصه بنامین و سح القاسم زندانی شدند و آن ششای شعر که روزنه امید برای امیراب منطقه بود خود بخود بست شد .

سح القاسم سالها در زندان ماند ولی دست از مبارزه نکشید ، شری از او که در سال ۱۹۶۸ در زندان " حما " حیره شده شاکر این مارش ناپذیری اوست :

درد می کشم مادر که چشمتان را اشک فرا میگیرد هنگامی که دوستی در خانه رومی کوبید و از من می پرسد ای همان دارم که شوکه زندگی در زندان من زاده می شود ، بالا و در دنبال این زندانها ، روز خواهد آمد . (ناماد)



چشمی اصل خاک را به بار می نشاند ...

یادی از آخرین صحنه های حیات سردار جنگل

آنهایمان بسته بودند که تاپوزی خلق موی سر و صورتشان را اصلاح نکنند

میرزا در شرایطی که مردم زجر دیده زیر بار ستم استعمار و فوئدالیزم گذرناش عمیده بود قیام کرد و قلب آنها را تسخیر و در اختیار خود گرفت و چیزی نگذشت که بنام حاجی مردم شناخته و امتداد آنها را بخود جلب نمود ، اقتصادی که محصول شتق میرزا به بودند که تا رسید به پرورزی و حاکمیت خلق موی سر و صورتشان را اصلاح نکنند ویر این پنهان سخت استادند زمان خود را فدا نکرده اند در آخرس روز حیاتش همراه با همزمان و دار و دستهای چون گزبان گرسه در بی او می کشند در کوههای بین راه خلخال و گیلان با حملات بیرحمانه بوران و طوفان مواجه شده و سرانجام زیر ضربات خرد کننده سرما از پای در آمدند .

کاکوک همروز وفادار الانبایش زودتر از میرزا مظلوم خود را از دست داد و از حرکت باز ایستاد سررا با وجودی که رفق چندانی نداشت می کشید که رفق و بارفراش را که بسیار تعداد کم بود بر روی دوپشتیان به آبادی برسانند بعد از مدتی در زبان او هم اغرض خشکی و سرما ستند و به زمین افتاد تمام مصلحتان از کار افتاد مگر خوشی که هم چنان لعل بود و بفکر ایرانی آزاد و تودمهای ترموزی که عاشقانه دوستشان داشت .

شاید اگر همزمن را همانجا که افتاده بود می گذاشت و خود تن را می سپرد و فوئدالیسم و باران را هم شکت میداد و ملوگرم سطرشهای کاکوک فدکاری گذشت میرزا چنین آرزوهای را از آن نمیداد ، آخر دل میرزا که از محبت عالی نشده بود ، و چون دشمنانش سنگدل نبود ، انبجاست که موهر واقعی انسان شتاعته میشود ،

میرزا در شرایطی که مردم زجر دیده زیر بار ستم استعمار و فوئدالیزم گذرناش عمیده بود قیام کرد و قلب آنها را تسخیر و در اختیار خود گرفت و چیزی نگذشت که بنام حاجی مردم شناخته و امتداد آنها را بخود جلب نمود ، اقتصادی که محصول شتق میرزا به بودند که تا رسید به پرورزی و حاکمیت خلق موی سر و صورتشان را اصلاح نکنند ویر این پنهان سخت استادند زمان خود را فدا نکرده اند در آخرس روز حیاتش همراه با همزمان و دار و دستهای چون گزبان گرسه در بی او می کشند در کوههای بین راه خلخال و گیلان با حملات بیرحمانه بوران و طوفان مواجه شده و سرانجام زیر ضربات خرد کننده سرما از پای در آمدند .

کاکوک همروز وفادار الانبایش زودتر از میرزا مظلوم خود را از دست داد و از حرکت باز ایستاد سررا با وجودی که رفق چندانی نداشت می کشید که رفق و بارفراش را که بسیار تعداد کم بود بر روی دوپشتیان به آبادی برسانند بعد از مدتی در زبان او هم اغرض خشکی و سرما ستند و به زمین افتاد تمام مصلحتان از کار افتاد مگر خوشی که هم چنان لعل بود و بفکر ایرانی آزاد و تودمهای ترموزی که عاشقانه دوستشان داشت .

شاید اگر همزمن را همانجا که افتاده بود می گذاشت و خود تن را می سپرد و فوئدالیسم و باران را هم شکت میداد و ملوگرم سطرشهای کاکوک فدکاری گذشت میرزا چنین آرزوهای را از آن نمیداد ، آخر دل میرزا که از محبت عالی نشده بود ، و چون دشمنانش سنگدل نبود ، انبجاست که موهر واقعی انسان شتاعته میشود ،

حمله خرابیدنت چنان است

که آهوان از بسیاری نظاره خشک میشوند که نفسی ترمه ای هستی که سندانها از کشمیر آورد تو بزرگترین برآوریدی هستی که صبا در " محرق صید کرد تو جوان شاهک دمشق لیریز از ستاره ای

اما تفسیر آن

تو آنچنان خرابیدنت هستی که آهوان (یعنی پلیس اسرائیل که نشانش بخورت کردن اوست) از دیدنت خشک می شوند .

نفسی ترین ترمه : اسلحه های که از مرز کشمیر بوسله شوروی به سمارت

ترانه های مردمی نشانه ای از عشق توده به یستازان

زمنده اش می باشد ادبیات آئینه تمام قد احساسات و موافق خلق است . در ادبیات فولکلوریک میتوان تمام گفتنها و پیروزیها ، و بیستازان ، دوستان و دشمنان خلق راو ... همه چیز را یافت . حساسه سردار جنگل تأثیر تعیین کننده ای در آدهان توده های رنجبر خطه گیلان داشت . مردان و زنان دلیری که خود عماره ساز و زحمت و رنج بودند ، هیچگاه سردار مسلح خویش را فراموش نگذرد و همواره خاطره او را زنده نگاه داشتند . ترانه زگر به زبان گلگلی سزیده شده یکی از ترانه هائی است که یاد آور زمنده جنگل سرخ گیلان میباشد .

چقد جنگل خوشی ملت و اسی خستابوسی می جان جانان تراگوام میرزا کوچک خان خدا دانه که من تمام خفتن از ترس دشمن می دلم آوریانا تراگوام میرزا کوچک خان چیره زودتر نشانی تند تر نشانی نهاد بنانی گیلان ویران تراگوام میرزا کوچک خان بنی ای روح روان - تی ریشا قربان - بهم توانان تی کس چوینا تراگوام میرزا کوچک خان آمارتس چلجان - اسپم تی قربان - کتیم آمجان تی باجیر قربان ، تراگوام میرزا کوچک خان چقدر در جنگل می خوابی بخاطر ملت آیا شته نشده ای ؟ جان جانان من تراگوام ای میرزا کوچک خان خدا می داند که من نین توام بخوابم از ترس دشمن بند دلم پاره شده تراگوام ای میرزا کوچک خان چرا زودتر نشانی تندتر نشانی تنها وها کرده ای گلجان ویران و تراگوام ای میرزا کوچک خان بی ای روح روان قربان ریشا کردم تو هم مبارزیداری چشپایه ایست تراگوام ای میرزا کوچک خان ما پنهانهای پوشش تو با فرما تو هشتم جانان رومی کشم زین بهایت قربان تراگوام ای میرزا کوچک خان

آشنایی با مردم صحرا جنبش آزادیبخش آن "پولیساریو"

مایل است که جنبش آزادیبخش "پولیساریو" در درون جنبه، اعمت وجود اجتماعی روحیه اجتماعی و تعاون منبر مردم صحرا گرفته، این مسئله خود منجر به تقویت روحی و اسام و تکلیفی جنبه گردید. باید اضافه کرد که شرایط سخت اردگاه و سلطه حاکمان استعمار فزونی به مردم بخشید. در سال ۱۹۶۵ سازمان ملل متحد برای اولین بار رای به حقوق مردم صحرا داد. ولی این حق هیچ گاه از طرف استعمارگران رعایت نشد تا اینکه تداوم حالات "پولیساریو" باعث شد که در ۲۲ به سال ۱۹۷۵ هیئت را از سازمان ملل متشکل رتدیگی به سلطه صحرا کند. این هیئت طی بررسی خود با مقارنت و عواطف یکپارچه و محاسنه بررسی روبروشد که یکصد عوامان حاکمیت بر سرزمین خود و نفی تسلط خارجی بر این یکپارگی در سازمان ملل نطق برآوردند. این نطق موجب حسرت اسپانیا و مردم جهان و سازمان ملل گردید. بعد از اعلام گزاش این هیئت که از مناطق مختلف بازدید به عمل آورد، سازمان ملل دادگاه لاهه را فرا خواند. در ۱۶ اکتبر ۱۹۷۵ دادگاه رای خود را به نفع ملت صحرا و سبب نامیده واتی آن "جنبه پولیساریو" اعلام کرد.

این یکپارگی در سازمان ملل نطق برآوردند. این نطق موجب حسرت اسپانیا و مردم جهان و سازمان ملل گردید. بعد از اعلام گزاش این هیئت که از مناطق مختلف بازدید به عمل آورد، سازمان ملل دادگاه لاهه را فرا خواند. در ۱۶ اکتبر ۱۹۷۵ دادگاه رای خود را به نفع ملت صحرا و سبب نامیده واتی آن "جنبه پولیساریو" اعلام کرد.

گزارش مصاحبه مطبوعاتی با "ولد صدیق" عضو دفتر سیاسی جنبه پولیساریو

این تمهید است برای جمهوری اسلامی که ما را از نظر مادی و معنوی حمایت کند

ما به نفع استعمارگران و دولت مجرمانه ایران که در روز چهارشنبه ۱۳/۷/۵۸ آقای ولد صدیق عضو دفتر سیاسی و معاون کتبه روابط خارجی جنبه پولیساریو در یک مصاحبه مطبوعاتی که با حضور جمعی از خبرنگاران از جمله خبرنگاران مجاهد تشکیل یافت، شرکت کرد و به سؤالات آنان پاسخ گفت.

هدف از سلطه خود را به ایران و سپس برزانه‌های جنبه پولیساریو، وضعیت و شرایط و اوضاع محاربتان مردم صحرا را برای خبرنگاران تشریح کرد و در پایان به سؤالات خبرنگاران پاسخ گفت.

آنان در مورد سخر خود به ایران گفت: من به نفع استعمارگران و دولت مجرمانه ایران که در روز چهارشنبه ۱۳/۷/۵۸ آقای ولد صدیق عضو دفتر سیاسی و معاون کتبه روابط خارجی جنبه پولیساریو در یک مصاحبه مطبوعاتی که با حضور جمعی از خبرنگاران از جمله خبرنگاران مجاهد تشکیل یافت، شرکت کرد و به سؤالات آنان پاسخ گفت.

عربی دیکواتیک صحرا که عواطف مردم صحراست، هرروز از طرف کتبه روابط خارجی جنبه پولیساریو تاکنون ۲۴ کشور جهان که در بین آنها ۲۰ کشور افریقایی وجود دارد، جمهوری عربی دیکواتیک صحرا را به رسمیت شناخته‌اند.

"ولد صدیق" در ادامه سخنانی گفت، در حال حاضر نیروهای پولیساریو در حال هجوم سلطانه به پایگاههای غرب هستند. این حمله از ماه می ۱۹۷۶ شروع شد و این یک هجوم موزون است. ما تاکنون عملیات زیادی حتی در داخل خاک غرب هم داشته‌ایم. این بهترین و گسترده‌ترین این عملیات ستیزان مسلط شهبند صلبی و ولد (دیوگنل سابق جنبه پولیساریو) و عملیات هوایی بودیم. رانام بود. اخیراً ما یک حمله وسیع در جنوب غربی داشته‌ایم. دو سوزان غربی را که از طرف فرانسه به مراکش داده شده زنگین کردیم. در اواخر سال ۷۷ و اوایل سال ۷۸ رژیم غرب خلیج فارس را محصور میکرد که بدون نتایج تا بر می‌گشت. در هنگام سقوط هواپیما زنده دستگیر شدند.

تازه‌ترین عملیات ما در روز گذشته (۵۸/۷/۱۶) صورت گرفته که بر علیه منابع نفت است. بهره‌برداران این منابع از زمانیکه تحت اشغال نیروهای غربی قرار گرفته، توقف کرده، هدف از این عملیات شهبند کردن پستگاه‌های الکتریکی غربیها در این مناطق بوده است.

پس از آقای "ولد صدیق" به سؤالات خبرنگاران پاسخ گفت. خبرنگار: رابطه جنبه پولیساریو با کتبه روابط خارجی چیست؟

ولد صدیق: جمهوری عربی دیکواتیک صحرا با جمهوری الجزایر و کوبا به جنبه‌ها رابطه دارد. رابطه صحرا با این کشورها بر اساس مناسبات مادی است که در چهارچوب مناسبات مادی میگردد که با اکثر کشورهای دنیا داریم. آنها ابزارها در مردم صحرا مانند لوله نفت ایران و سایر کشورهای حمایت کرده حمایت میکنند. این وظیفه تمام کشورهای است که از مبارزات مردم صحرا حمایت کنند. همانطوریکه این عصبی است برای جمهوری اسلامی ایران که ما را از نظر مادی و معنوی حمایت کند. خبرنگار: هیئت مانی کیسه از طرف جنبه پولیساریو به ایران آمده است. آیا این هیئت مانی کیسه ملاقاتی داشته‌اند؟

ولد صدیق: بعد از پیروزی انقلاب، هیئت مانی کیسه از طرف جنبه پولیساریو به ایران آمده است. ما این هیئت ملاقاتی نداشته‌ایم. ما این ملاقاتی نداشته‌ایم. ما این ملاقاتی نداشته‌ایم. ما این ملاقاتی نداشته‌ایم.

در گفتگوش "ولین" که بمنظور تقسیم جهان بین قدرتهای اروپایی در سال ۸۸۵ تشکیل شده بود، اسپانیا هم صحرا را بعنوان مستعموره جدید خود تثبیت کرد

قبل از اعلام رای دادگاه لاهه در ۱۲ اکتبر ۱۹۷۵ "پولیساریو" همگرا "اتحادی" را فراخواند. این گروه بسیج عمومی و یک پارچه مردم صحرا بود. و حتی اعضا "حماه" که دست نشاندگان اسپانیا بودند نیز در این گروه شرکت کردند. این بسیج باعث و پشت اسپانیا گردید. سرانجام بعد از رای دادگاه لاهه در ۱۲ نوامبر ۱۹۷۵ اسپانیا دست به حمله تازه‌ای زد. بدینجهت که صحرا را بین بریتانیا و مراکش که دارای حکومت های ارجحی است واस्त بودند تقسیم کرد. مراکش نیز از قبل ۲۱ سال قبله جهان را تحت تسلط خود را اعلام کرده است.

این یکپارگی در سازمان ملل نطق برآوردند. این نطق موجب حسرت اسپانیا و مردم جهان و سازمان ملل گردید. بعد از اعلام گزاش این هیئت که از مناطق مختلف بازدید به عمل آورد، سازمان ملل دادگاه لاهه را فرا خواند. در ۱۶ اکتبر ۱۹۷۵ دادگاه رای خود را به نفع ملت صحرا و سبب نامیده واتی آن "جنبه پولیساریو" اعلام کرد.

این تمهید است برای جمهوری اسلامی که ما را از نظر مادی و معنوی حمایت کند

ما به نفع استعمارگران و دولت مجرمانه ایران که در روز چهارشنبه ۱۳/۷/۵۸ آقای ولد صدیق عضو دفتر سیاسی و معاون کتبه روابط خارجی جنبه پولیساریو در یک مصاحبه مطبوعاتی که با حضور جمعی از خبرنگاران از جمله خبرنگاران مجاهد تشکیل یافت، شرکت کرد و به سؤالات آنان پاسخ گفت.

یاد مآخده شهید بهجت تیفکیچی را گرامی بداریم

تست ولدا سولیت سکتینی بروش انسان آگاه، همچنانکه همه انبیا و پیغمبران توحیدی اعلام داشته‌اند، می‌باشد: سارزه‌های منی‌مان واخشی‌ناپذیر با این مناسبات بخاطر برقراری نظام با "سازشای که مقدس" است در نفی سلطه امپریالیسم جهانیوار و توکنوار آنها تضحلی نشود.

از تولد تا شهادت

عد از جهان آغاز در سفر خود مدتی با بنونه های فراوان رنج و بدبختی مردم از نزدیک آشنا شده بود. او در روز ششم شهادت یافته بود.

بجهت پس از مدتی طالبه توانست جمهوری را رستن اعلام را از پس کرد. غبار قرینا تحریف و سوز استفاده های ارجحی از مذبح بپایند و صیفا "بدان ملائمه کردید. او تا پای جان بر سر این آرمان ایستاد و مبارزه کرد. در تیرماه ۵۲ بدینحال دستگیری مدامی او را در تهران در زندان او نیز در تهران دستگیر و محکوم شد. هنگام دیده زردوزان رژیم سابق قرار گرفت. اما با مقارنت دلبران خود باورن و دشمنان را غلام کرد و هیچ یک از اطلاعات و اسرار فعالیت سازمان را افشای نمی‌نمود. همین علت می‌باشد که نظامی توانست او را به مسیر های طویل المدت محکوم نماید. او به چهار بار زندان محکومیت یافت و طی این دوره ضابط فرانسوی کتب کرد. پس از آزادی از اسارت به فرانسه، چند ماه در پاریس به سازمان بهجت تیفکیچی در فرانسه ارجحی است. او به چهار بار زندان محکومیت یافت و طی این دوره ضابط فرانسوی کتب کرد. پس از آزادی از اسارت به فرانسه، چند ماه در پاریس به سازمان بهجت تیفکیچی در فرانسه ارجحی است.



ما به نفع استعمارگران و دولت مجرمانه ایران که در روز چهارشنبه ۱۳/۷/۵۸ آقای ولد صدیق عضو دفتر سیاسی و معاون کتبه روابط خارجی جنبه پولیساریو در یک مصاحبه مطبوعاتی که با حضور جمعی از خبرنگاران از جمله خبرنگاران مجاهد تشکیل یافت، شرکت کرد و به سؤالات آنان پاسخ گفت.

هدف از سلطه خود را به ایران و سپس برزانه‌های جنبه پولیساریو، وضعیت و شرایط و اوضاع محاربتان مردم صحرا را برای خبرنگاران تشریح کرد و در پایان به سؤالات خبرنگاران پاسخ گفت.

آنان در مورد سخر خود به ایران گفت: من به نفع استعمارگران و دولت مجرمانه ایران که در روز چهارشنبه ۱۳/۷/۵۸ آقای ولد صدیق عضو دفتر سیاسی و معاون کتبه روابط خارجی جنبه پولیساریو در یک مصاحبه مطبوعاتی که با حضور جمعی از خبرنگاران از جمله خبرنگاران مجاهد تشکیل یافت، شرکت کرد و به سؤالات آنان پاسخ گفت.

یکدیگر از روزنگاران مجاهد خلق در حالیکه آخرین کلمه‌های سلاح خود را به نفع دشمنان سپرده امپریالیسم بودند، رفته رفته بود به خاک و خون قلبی بهجت (ناظم) تیفکیچی از اعضای سال ۵۱ بود که توسط دشمنان شهید سید شریف وافعی به محکوم سازمان مجاهدین خلق ایران درآمده بود. زندگی انقلابی این عوامر جانی را تا روز ششم تیرماه ۵۲ سپرد و مبارزه را تا پایان عمر خود ادامه داد. بهجت در سال ۲۸ در یک خانواده فقیر در همان تولد شد. او در دهان شیر به تحصیل پرداخت. در ۲۸ برای ادامه تحصیل در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران راهی این شهر شد. بهجت از همان ابتدای ورودش به دانشگاه با همکاران خود شریف وافعی ارتباط داشت. در همین سالها بود که با ملاقاتش در جهت انطباق با دیدگاهها و باعاض سازمان ست با توفیق فعالیتها می‌شروع کرد. بهجت خود را شخصا در خدمت اهداف سازمان کانالیزه نمود. بهجت از راه اولی که در دانشکده توفیق یافتی بود. در این سال که در جریان اعتراضی در داخل سازمان در تیرماه ۵۲ توفیق یافتی بود. در این سال که در جریان اعتراضی در داخل سازمان در تیرماه ۵۲ توفیق یافتی بود.

عربی دیکواتیک صحرا که عواطف مردم صحراست، هرروز از طرف کتبه روابط خارجی جنبه پولیساریو تاکنون ۲۴ کشور جهان که در بین آنها ۲۰ کشور افریقایی وجود دارد، جمهوری عربی دیکواتیک صحرا را به رسمیت شناخته‌اند.

"ولد صدیق" در ادامه سخنانی گفت، در حال حاضر نیروهای پولیساریو در حال هجوم سلطانه به پایگاههای غرب هستند. این حمله از ماه می ۱۹۷۶ شروع شد و این یک هجوم موزون است. ما تاکنون عملیات زیادی حتی در داخل خاک غرب هم داشته‌ایم. این بهترین و گسترده‌ترین این عملیات ستیزان مسلط شهبند صلبی و ولد (دیوگنل سابق جنبه پولیساریو) و عملیات هوایی بودیم. رانام بود. اخیراً ما یک حمله وسیع در جنوب غربی داشته‌ایم. دو سوزان غربی را که از طرف فرانسه به مراکش داده شده زنگین کردیم. در اواخر سال ۷۷ و اوایل سال ۷۸ رژیم غرب خلیج فارس را محصور میکرد که بدون نتایج تا بر می‌گشت. در هنگام سقوط هواپیما زنده دستگیر شدند.

تازه‌ترین عملیات ما در روز گذشته (۵۸/۷/۱۶) صورت گرفته که بر علیه منابع نفت است. بهره‌برداران این منابع از زمانیکه تحت اشغال نیروهای غربی قرار گرفته، توقف کرده، هدف از این عملیات شهبند کردن پستگاه‌های الکتریکی غربیها در این مناطق بوده است.

پس از آقای "ولد صدیق" به سؤالات خبرنگاران پاسخ گفت. خبرنگار: رابطه جنبه پولیساریو با کتبه روابط خارجی چیست؟

ولد صدیق: جمهوری عربی دیکواتیک صحرا با جمهوری الجزایر و کوبا به جنبه‌ها رابطه دارد. رابطه صحرا با این کشورها بر اساس مناسبات مادی است که در چهارچوب مناسبات مادی میگردد که با اکثر کشورهای دنیا داریم. آنها ابزارها در مردم صحرا مانند لوله نفت ایران و سایر کشورهای حمایت کرده حمایت میکنند. این وظیفه تمام کشورهای است که از مبارزات مردم صحرا حمایت کنند. همانطوریکه این عصبی است برای جمهوری اسلامی ایران که ما را از نظر مادی و معنوی حمایت کند. خبرنگار: هیئت مانی کیسه از طرف جنبه پولیساریو به ایران آمده است. آیا این هیئت ملاقاتی داشته‌اند؟

ولد صدیق: بعد از پیروزی انقلاب، هیئت مانی کیسه از طرف جنبه پولیساریو به ایران آمده است. ما این هیئت ملاقاتی نداشته‌ایم. ما این ملاقاتی نداشته‌ایم. ما این ملاقاتی نداشته‌ایم.

مبارزات کشتی و فیورسوز خلق و ضد خلق است. تاریخ شاهد حتمی است. ساری از این دست بوده است. کلاشترین و عالیترین نمونه از فرگویی انقلاب و ضد انقلاب است که بحق ستواند الگوئی زنده و روشن برای هر جا و هر زمان باشد.

روزهای خون و شهادت و رایش سر میگردم که خلیس با با الهام از جنین الگوئی، در آفرینشگری سخت علیه امپریالیسم خونخوار آمریکا این دشمن سرخست خلقهای جهان است. و چه تبارن مبارکی چرا که ما برای وصول به پیروزی و برای آزادی از قید و بند امپریالیسم آمریکا نیاز به چنین سند آفرینشگاهی داریم. نیاز به آفرینشگرانی تازه و گریزهایی دیگر - چرا که رابطه ما با این دشمن شارلایک همه خلقهای تحت ستم جهان، تیرد با امرات است و برای گذار از حل این تضاد چاره‌ای نیست جز خون و شهادت. خوشحانه امروز شاهد طلیعه چنین دادگرایانی هستیم. نگاهی به واقع چند هفته گذشته و سپس برترین خلقان در مبارزه ضد امپریالیستی. ضد امپریالیستی با نگر چشم انداز شورانگیز انقلابی ماست.

گزارش کوتاهی از راهپیمایی گروهی از دانش آموزان طرفدار مجاهدین در روز تاسوعا

دیگر آن حال و هوای خسته کننده در کار نبود که امام حسین راهپیمایان جوان را در دست فرستادن گرفتار شده است. شمعبل کرده بود. ابتدا دیگر چیزی را بستن حسین (ع) برداشت انقلابی و اصل اسلامی را ماورا و گریز بود که در تارخا تیلور می یافت. شارهای همون: «ماشرای اسال ابرال نوره بر اندام شاه. ماشرای اسال اخراج امریکا» با آمریکا، مانند کل کل موم ماشرای گل ارض کرولا منطق دین است» یا «به گفته سخنی آموزش نظامی در کشور اسلامی، ترویج باید کرد.» یا «هر زمین کرولا، هر زمان امریکا» و دشمن خلق ما، آمریکا، امریکا و دشمنی شمار دیگر که نه نشاندهند محتوای انقلابی و ضد امپریالیستی است که تظاهرات اسال بخود گرفته است.

همینطور گروهی از خواهران و برادران از قبل سرود «بنام خدا» - سروده‌ای که «هدیبا» توسط سازمان تهیه شده است - را تعریف کرده بودند. در طول راهپیمایی چندین بار بطور دسته جمعی با ریتم و آهنگ مخصوص اجرا کردند. در طول خیابان فردوسی گروه نسبتاً زیادی از مردم به این صف پیوستند و جالب این که بسیاری از دانش آموزان با پدر و مادر خود در راهپیمایی شرکت داشتند، حالت ترانکه آنها نیز در تنظیم صفوف و زنجیرها نقش فعالانه داشتند. در میدان فردوسی این صف به رودخانه خروشان مردم که از نقاط دیگر شهر می آمدند، پیوست. از این به بعد تا انتهای سفر که تا اواسط خیابان آزادی بطور کلی انجامید، هر چند تظاهرات زیادی از اطراف تبدیل کثرت شدند وارد میدان نظم و انضباط خود را همچنان حفظ کردند. در مجموع مسیر صف چشمگیر امکاناتی از قبیل بلندگو و ... و تارهای گوینده - سروده‌ای همانند

سورانه و انقلابی این مرزبان آنها نتوانستند به مفاد توم خود برسند و چهها برای خود آداده دادند. آنچه در اینجا خوب آور است اینکه در شرایطی که امام امپیه ناگدید بر وحدت همه نیروهای مردمی در مقابل امپریالیسم داوره و در شرایطی که توده مردم نیز ضرورت این مسئله را عمیقاً درک کرده اند، ما این مدع بدون و هجوم حال چه میگویند، اگر رنگی به کفش ندارند، اگر از اوج گیری



یست میلیون جوان ... یست میلیون تشکدار

مبارزه ضد امپریالیستی وحشت ندارند. اگر پس چنین برخورد تفرقه افکنانه از کجا ناشی میشود؟ ساعت ۱ بعد از ظهر در حالیکه چهها در زیر طرآن شدت تاهی غسی شده بودند. مرکز بر امریکا گویان متفرق شدند و میگفتند عده ما ساعت ۲ دانشگاه سخنرانی برادر مجاهد موسی خیابانی.

اداره داشت. حدود ساعت ۱۲ در اواسط خیابان آزادی بومیم که صحبت شروع به بازگشت نمود. خواهران و برادران دانشموز نیز با حفظ صفوف خود به سمت میدان انقلاب شروع به بازگشت نمودند. در مسیر بازگشت گروه اندکی که با کمال تأسف خود را نیز شنبه به امام و در راه امام رسانیدند، میخواستند راه را بر چهها ببندند و با دادن تارهای تفرقه افکنانه و تحریک محیط، این جمع انقلابی و ضد امپریالیستی را به پیوستند. که خوشحانه با برخورد

پیام پشتیبانی
مجاهدین خلق ایران
بنامست روز جهانی فلسطین

بنام خدا
بنام خلق قهرمان ایران

مجاهدین خلق ایران روز جهانی فلسطین را گرامی داشته و بزرگترین بر وحدت ضد امپریالیستی - ضد صهیونیستی خلقها و انقلابات ایران و فلسطین تأکید میکنند. همچنین باید تأکید نمود که نقش پیشاز انقلاب فلسطین در انقلابات منطقه قابل هرگونه تقدیر و ستایش انقلابی است. بدیهی است همچنانکه بارها تکرار کرده ایم ساله فلسطین دیگر تا آنجا که به ما مربوط میشود بایستی از کسوت شرم و خوار شده و لباس عملی و حمایت مادی و ملموس بپوشد. مرکز برای برابری و همبستگی
مجاهدین خلق ایران
۷ / آذر / ۵۸

دعوی پولیساریو از مجاهدین برای دیدار از "صحرا"

دعوت از «مآء العین ولد صدیق» فرستاده ویژه جمهوری دموکراتیک عربی صحرا با برادران مجاهد

عشقه آذر ماه العین ولد صدیق فرستاده ویژه جمهوری دموکراتیک عربی صحرا پولیساریو با برادران ما دیدار کرد. در این ملاقات انقلابی نقطه نظریات طرفین به تفصیل برای یکدیگر تشریح شد. نماینده پولیساریو ضمن دعوت از مجاهدین برای بازده از صحرا و آشنایی هرچه بیشتر با انقلاب آزادیبخش و دموکراتیک صحرا گسترش روابط بین انقلاب صحرا و ایران و همچنین



«مآء العین ولد صدیق» عضو دفتر سیاسی جنبه آزادیبخش خلق

و مسوود جوی عضو کادر مرکزی سازمان خلقی است بایستی به لحاظ سیاسی از اوضاع و احوال مساعد بین المللی و حمایت جمعی کشورهای تریغیخواه در علیه دشمن اصلی خود جست. نماینده پولیساریو انقلاب خود را با ایدئولوژی دموکراتیک و راهپیمایی توصیف نمود. تقابل مجاهدین خلق در ادامه پیوندهای گذشته خود با پولیساریو نقطه نظرهای ایدئولوژی اسلامی خود را با مشخصه دستبندی نمود. استعماری و ضد استعماری تشریح نمودند. بخش دیگری از این ملاقات تجربه و تحلیل مشخص اوضاع و احوال سیاسی در ایران و نحوه پیشرفت های سازمانی و فوق الجیشی پولیساریو اعضا می دانستند.

موری که به کنواری بر سلطه. بالین حال در تظاهرات آراسی که بدعوت جنبه آزادیبخش صحرا در ۱۷ ژوئن ۱۹۷۵ برگزار شد. مردم صحرا یکپارچه علیه استبداد اسرائیلی فراد اعتراض بردارند. این تظاهرات سالمات از توسط اسرائیلی به خاک و خون کشیده شد و تعداد زیادی شهید و زخمی جای گذاشت. رهبر جنبه محمد ابراهیم بصیری نایبید کردیم (M.S.L.) شدند. سرگوب شد. مردم دریافتند که از طرف سالمات آراسی با استمرار نمی توان سخن گفت. و تنها راه واقعی از دست بازگشتن جایی اسرائیلی پارهزه سلطانه می باشد. و به همین جهت هم دیری نماند که در ۱۵ مه ۱۹۷۲ «جنبه پولیساریو» اعلام موجودیت کرد.

برای آزادی «ساقا لحریر» (برادران) اولین حمله سلطانه خود به یک واحد ارتش اسرائیلی آغازگر فصل نوبتی در مبارزات مردم صحرا شد. ارتش اسرائیلی که تعداد قابل توجهی از سربازان سیاسی و ضد فاشیست هم داخل آن بودند، شامل جدی به سرگویی نشان نمود. «وصفا» حطای بی دریغ پولیساریو روحیه افراد این ارتش را شدیداً متزلزل کرده بود. و در ادامه «پولیساریو» تأکید شد که سانسور خوری حاکم بر صحرا شکسته شود. مردم جهان آمارزرات مردم صحرا را با خبر کردند.

"جنبه آزادی بخش صحرا" راه رهایی را بنوده های ما میوز

در ماههای بین ۱۹۶۵-۱۹۶۵ که جنبشهای استقلال طلبانه در گوشه و کنار آمریکا آغاز گرفت، روح آزادی خواهی تارهای در ملت صحرا نیز دیده شد. و مردم صحرا مجدداً شروع به مبارزه با نیروهای ائتلافگر نمودند. این مبارزه که ابتدا بصورت مقاومت های پراکنده و نامنظم بود، کم کم گرفتار و درنگ یافت. تا اینکه سرانجام در سال ۱۹۶۷ جنبه آزادیبخش صحرا (M.S.L.) تشکیل شد. رهبری این جنبه با محمد ابراهیم صبری بود. دولتهاسرائیلی بر این طایفه (M.S.L.) سیاسی از ریش فیضان بنام (جامه) تشکیل داد. باطلکه بتواند مبارزه مردم را به انحراف بکشد. و حتی اختیارات و امتیازات فراوانی برای آنها قائل شد. استعمار حاضر در به استبداد استقامت دهد. البته از میان استقلالهای

از اهل قندارون ثقافی می شود که کنگهای ملی خود بر این سازمان مجاهدین خلق ایران را به حمله بهاری شماره ۱۵۵۵ با دستک مبارکشان در ۲۵ آذر ۵۸ در ۵۹۰۰ نفر از اهل قندارون و حواله آن استبداد و ستم را بشمارند. شماره ۱۶۶۰/۱۸۱۸ تهران ۱۶ شماره ۱۳۱۳/۱۳۳۵ آراش/مارند

فهرته نامه مجاهدین

اولین کتبخانه آراش

آدرس: تهران ۱۶- صندوق پستی شماره ۹۸۱/۶۳۳ تهران ۱۶ صندوق پستی ۱۳۱۳۵